

اكثریت

دوشنبه ۱۷ دیماه ۱۳۶۹ برابر ۷ ژانویه ۱۹۹۱ سال هفتم شماره ۳۳۲

پایان مهلت اولتیماتوم شورای امنیت نزدیک است

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

بیش از چند روز به پایان مهلت تعیین شده در اولتیماتوم شورای امنیت سازمان ملل به عراق برای تخلیه خاک کویت باقی نمانده است. با نزدیک شدن پانزدهم ژانویه هراس از شعله کشیدن آتش جنگی خانمانسوز در منطقه خلیج فارس بیش از پیش بر دلها مستولی میشود. لجاجت و سر سختی ظاهری صدام حسین در تلقی کویت به عنوان یکی از استانهای عراق و قلمرومنشی و غریوهای جنگ طلبانه سران آمریکا نگرانی نسبت به شعله ور شدن آتش جنگ را افزایش داده است. آیا ایالات متحده آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

طی هفته های اخیر و با نزدیکتر شدن پایان مهلت تعیین شده، موضعگیریهای طرفهای اصلی درگیر بحران از صراحت بیشتری برخوردار شده است. عراق با زبان دیپلماتیک و به اشکالی کم و بیش آشکار آمادگی خود را برای نوحی مصالحه اعلام داشته است. به نوعی که بطور مثال واشنگتن پست از قول یک مقام عالیترتبه عراقی اعلام کرده است "اگر آمریکائی ها انعطاف نشان دهند، ما هم انعطاف خواهیم داشت." اما به موازات آن شاهد تشدید فشار آمریکا بر عراق و تاکید صریحتر به لزوم خروج بی قید و شرط عراق از کویت هستیم. در بسیاری موضعگیریهای سران آمریکا که گویا پاسخ مذاکراتی پنهانی داده میشود از فیر قابل پذیرش بودن پاداش به متجاوز سخن رفته است. و این پاسخ مستقیمی است به پیشنهادهای آشکار و نهان عراق

به پیشین ژاپن در آمریکا طی مصاحبه ای با رادیو آمریکا در ژاپن به تاریخ ۱۴ دسامبر گذشته نکات تازه ای از تلاشهای دولت رفسنجانی برای عادی سازی رابطه خود با دولت آمریکا را فاش نمود. ماتسویوناگا که اکنون یکی از مشاوران ارشد وزارت خارجه ژاپن است، در اکتبر سال گذشته از تهران دیدار نموده بود. هر چند هدف اصلی این سفر متوجه تحکیم رابطه دو کشور و تبادل نظر حول بحران خلیج فارس عنوان شده بود اما به گفته سفیر پیشین ژاپن در آمریکا وی در ملاقات با هاشمی رفسنجانی و وزیر خارجه او علی اکبر ولایتی، مشکلات روابط واشنگتن و تهران را مورد بررسی قرار داده است. سفیر پیشین ژاپن در مصاحبه با

بقیه در صفحه ۲

پذیرش وکیل مدافع در دادگاههای جمهوری اسلامی

واحد گفته شده است وکیل مدافع از نظر تامین شفلی و احترام با دیگر دست اندرکاران امور قضائی برابر خواهد بود. این نخستین بار است که جمهوری اسلامی حضور وکیل مدافع را در دفاع از متهمین می پذیرد. در طی حکومت جمهوری اسلامی تاکنون مراحل تحقیق و بازرسی و تمام محاکمات بدون حضور وکیل مدافع انجام میگرفت.

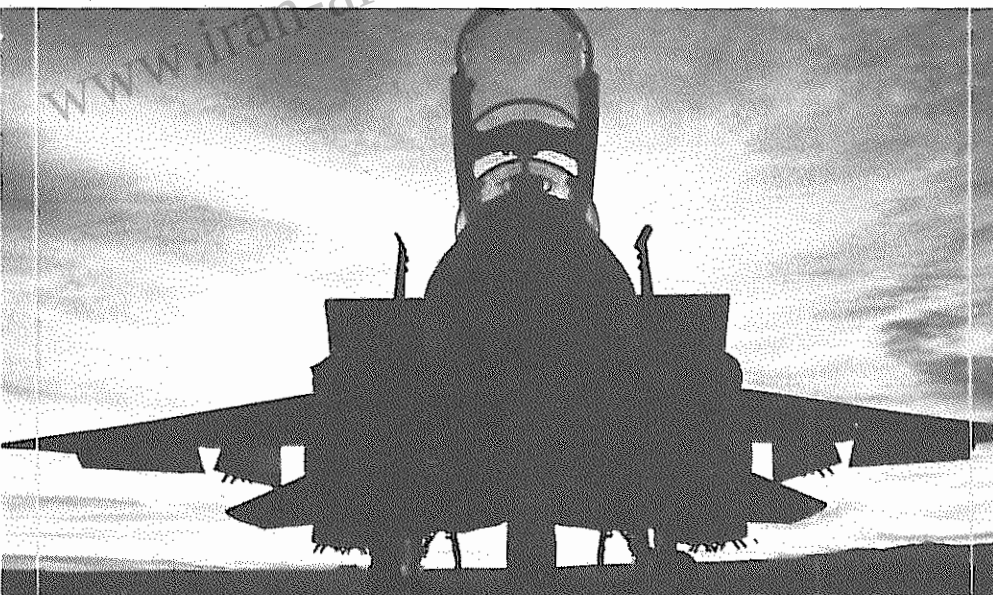
این ماده واحد هنوز در مورد کسانی که تحت تعقیب و اتهام ارگانهای سرکوب رژیم قرار می گیرند، صراحت ندارد و معلوم نیست که آنها هم میتوانند از حمایت وکیل مدافع برخوردار باشند.

تعیین سران رژیم در به تصویب رساندن این ماده، بدون شک در ارتباط با قطعنامه ای است که در جلسه آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیرامون نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی طرح خواهد شد.

گالیندویل فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران در گزارش خود بخشی را به مدم حضور وکیل خواهد بود. در ادامه این ماده

بقیه در صفحه ۴

آخرین تلاشها برای حل مسالمت آمیز بحران



تلاشهای پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با آمریکا

صدای آمریکا خاطرنشان ساخت که هم هاشمی رفسنجانی و هم علی اکبر ولایتی به وی گفته اند که خواهان برقراری روابط عادی با آمریکا هستند زیرا واشنگتن در قبال دو مسئله تحریم اقتصادی علیه ایران و سپرده های مسدود شده ایران در آمریکا زو ش مثبت و دوستانه ای اتخاذ کرده است. وی خاطرنشان ساخت هنگامی که به خواستهای آمریکا در مورد آزادی گروگانهای اسیر در لبنان و پایان گرفتن حمایت ایران از تروریسم اشاره نمود، رئیس جمهور و وزیر خارجه اش به سخنان او با علاقه گوش دادند و آنها را جدی گرفتند.

یک روز پس از اظهارات فوق، علیرضا سردمدی سخنگوی وزارت امور خارجه اظهارات سفیر سابق ژاپن در آمریکا را تکذیب نمود

مدعی شد که سیاست ایران در قبال آمریکا هیچ تغییری نکرده است. سردمدی گفت مسایل مورد ادعای سفیر سابق ژاپن به هیچ وجه در ملاقات با رفسنجانی و

به گزارش خبرگزاریها بهای نفت خام هفته گذشته کاهش قابل توجهی یافت و در بازار بورس نیویورک به زیر ۲۵ دلار رسید. مطابق این گزارشها در روز سوم ژانویه یک بشکه نفت خام سبک در بازار بورس نیویورک برای تحویل در ماه آینده معادل ۲۴ دلار و ۹۰ سنت معامله شد. در همین روز نفت برنت دریای شمال برای تحویل در ماه آینده برابر ۲۶ دلار

بهای نفت کاهش یافت

به ۶۰ سنت معامله گردید. بهای نفت در روز اول ژانویه نیز حدود ۲ دلار کاهش یافته بود. کارشناسان، کاهش قابل توجه بهای نفت در بازارهای جهانی را ناشی از رویدادهای سیاسی اخیر در خاورمیانه و بویژه تشدید تلاشهای همه جانبه برای جلوگیری از جنگ و حل مسالمت آمیز بحران خلیج فارس می دانند.

از گزارش گالیندویل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران

در تاریخ ششم نوامبر ۱۹۹۰، پروفیسور السالوادوری، رینالدو گالیندوپول، گزارش سالانه خود درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را منتشر کرد. گالیندوپول، در سالهای اخیر به عنوان نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در ایران را زیر نظر داشته است. وی تاکنون دوبار به ایران سفر کرده است: یک بار در ژانویه و

یک بار در اکتبر ۱۹۹۰، اخیرا متن کامل گزارش اخیر گالیندوپول به دست ما رسیده است. بخشهایی از این گزارش را در نشریه چاپ می کنیم.

یک بار در اکتبر ۱۹۹۰، اخیرا متن کامل گزارش اخیر گالیندوپول به دست ما رسیده است. بخشهایی از این گزارش را در نشریه چاپ می کنیم.

بقیه در صفحه ۳

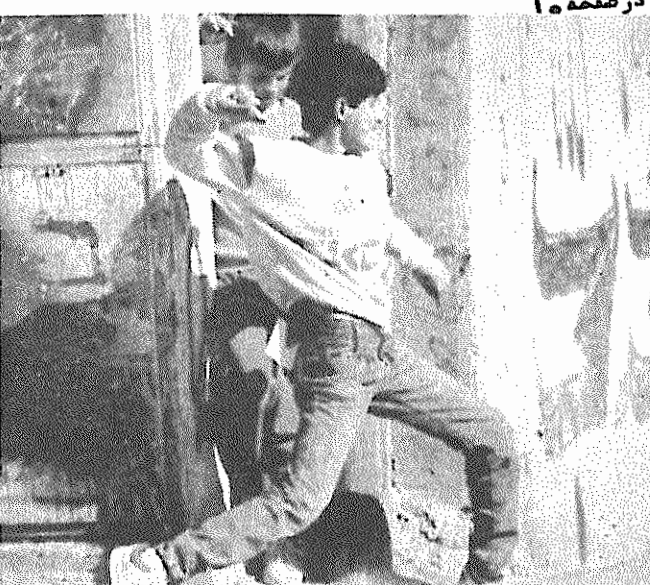
اجلاس سه جانبه اکودر پاکستان

اجلاس وزرای کشورهای عضو اکودر، تنها یک روز به طول انجامید. مواضع جمهوری اسلامی که اعلام کرده در جنگ بیطرف خواهد بود نسبت به مواضع پاکستان و ترکیه که آشکارا در جبهه آمریکا قرار دارند، متفاوت است. علی اکبر ولایتی در پایان اجلاس یک روزه فوق گفت که وزرای خارجه ۳ کشور خواستار یک اجلاس فوق العاده اسلامی به منظور چاره چویی برای حل مسالمت آمیز بحران شده اند. ولایتی گفت اجلاس ۳ جانبه وزیر امور خارجه پاکستان را موظف کرد که در جهت تشکیل اجلاس فوق العاده سازمان کشورهای اسلامی تا پیش از ۱۵ ژانویه اقدام کند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی تاکید کرد که این بحران مربوط به کشورهای اسلامی است و باید توسط آنها حل شود. وی گفت ما تلاش می کنیم تا پیش از پایان ضرب الاجل تعیین شده توسط سازمان ملل متحد عراق و آمریکا را به مذاکره راضی سازیم.

علیرغم اظهارات فوق در قطعنامه پایانی اجلاس، تنها عراق به اجرای قطعنامه های سازمان ملل دعوت شده و گفته شده که این کشور باید خاک کویت را تخلیه کند. وزیر خارجه ترکیه پس از

بقیه در صفحه ۲

ناآرامی مجدد در مناطق اشغالی فلسطین



بقیه در صفحه ۲

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

بقیه از صفحه اول

تشدید تبلیغات و تدارکات جنگی، پیروزی سیاسی بزرگتری به کف آورد و در این راستا آمریکا آماده است در صورت عدم تمکین عراق به تهدیداتش با توسل به جنگی خونین و ویرانگر که هوابت سیاسی آن برای خودوی نیز تاحد زیادی غیر قابل پیش بینی است، از منافع و نظم دلخواه خود دفاع کند.

طی روزهای اخیر مواضع کشورهای اروپایی خواهان حل مسالمت آمیز بحران خلیج فارس نیز آشکارتر در تقابل با مواضع دولت بوش به نمایش درآمد. به دعوت وزیر خارجه آلمان روز چهارم ژانویه نشست فوق العاده وزرای خارجه کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برای جستجوی راههای مسالمت آمیز بحران خاورمیانه در لوکزامبورگ تشکیل شد. کشورهای اروپای غربی در پشت نزع خاورمیانه اهداف سلطه جویانه رقیب آمریکایی خود در اقتصاد جهانی را می بینند. آنان تلاش میکنند بحران خاورمیانه را به مجرای حل مسالمت آمیز آن هدایت کنند و از بروز جنگ که از نظر اقتصادی در بین کشورهای پیشرفته صنعتی بیشترین ضرر را

مواجه ژاپن و اروپا خواهد کرد، جلوگیری کنند.

در صورت شعله ور شدن آتش جنگ جدا از خسارت های جانی و روانی بیشمار آن برای سربازان و نظامیان درگیر و مردم غیرنظامی و بی دفاع کشورهای عراق، کویت، عربستان و احتمالاً اسرائیل، لهیب سوزان این انفجار عظیم حتی در صورت عدم سرایت به دیگر کشورهای کوچک و بزرگ همسایه تأثیرات منفی اقتصادی بسیار عظیمی بر اقتصاد همه کشورها از جمله بر کشورهای صنعتی خواهد داشت. پیش بینی افزایش قیمت نفت تا حد حتی ۲۵۰ دلار در چنین شرایطی نمیتواند بکلی بدور از حقیقت باشد و تأثیر چنین قیمت هایی بر سایر هر صدهای اقتصاد تاحدودی قابل لمس است.

شعله ور شدن آتش جنگ همه معادلات و صف بندیهای سیاسی در خاورمیانه غربی را نیز درهم خواهد ریخت و حتی ایجاد برخی تغییرات در رژیم های سیاسی کشورهای منطقه دور از ذهن نیست.

حمله آمریکا به عراق، کشانده شدن مستقیم پای اسرائیل توسط عراق به این جنگ را نیز به دنبال

خواهد داشت. با حضور آشکار اسرائیل در این مناقشه کدام دولت غربی است که بتواند در برابر چشمان مردم خود در کنار سربازان اسرائیلی علیه یک کشور عربی دیگر بجنگد؟ آنهم در شرایطی که صدام حسین ماهرانه خود را به عنوان قهرمان مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل در دل توده های فلسطینی و عرب جا کرده است؟ و آیا در چنینی شرایطی صف بندی کنونی در منطقه حفظ خواهد شد و آیا آمریکا میتواند از ثبات رژیم متزلزل ملک حسین در اردن و یا ملک فهد در عربستان و مبارک در مصر و ... مطمئن باشد؟

آیا آمریکا به عراق حمله خواهد کرد؟

محافل و سیاستهای معین و قدرتمندی در آمریکا خواهان جنگ هستند. اما این جنگ برای دولت آمریکا و مردم آن متضمن ضربات و خسارت فراوان نیز خواهد بود، ضمن اینکه بسیاری از هوابت سیاسی و اقتصادی این جنگ نیز قابل پیش بینی نیست. عقل سلیم در درون هیئت حاکمه آمریکا نیز علیه این حمله و جنگ موضع خواهد گرفت. اما آیا سرنوشت جهان را تنها عقل سلیم رقم میزند؟

تلاشهای پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با آمریکا

بقیه از صفحه اول

امریکا، واقعیتی است که مدتهاست از پرده بیرون افتاده و روشن شده است که رئیس جمهور دورو و دروغگوی آخوندها هیچ فرصتی را برای چراغ دادن به واکنشگتن از دست نمی دهد. تنها در چند ماهه پس از بحران خلیج فارس حافظ اسد و تورگوت اوزال روسای جمهوری سوریه و ترکیه و اخیراً نیز معلوم شده است که سفیر پیشین ژاپن در امریکا واسطه و دلال مناسبات دولت رفسنجانی با امریکا بوده اند. دیپلماسی پنهانی رفسنجانی برای رابطه گیری با امریکا هرچند از ترس روحیه همومی ضد امریکایی حاکم بر ایران و مخالفت شدید جناحهایی از حاکمیت است، اما

در همین حال نشانگر روشهای خیانت آمیز و توطئه گرانه جناح او برای پیش برد این رابطه می باشد. در پشت پرده مانند مناسبات رفسنجانی با امریکائیان وی را قادر می سازد تا با دست بازتری به مصالحه بر سر منافع ملی ایران اقدام کند و امتیاز بدهد.

طبیعی است که جز نیروهای عقب مانده و اجنبی ستیز درون حکومت کسی نمیتواند مخالف رابطه برابر حقوق و همتی با همه کشورهای که سازمان ملل رابطه با آنها را مجاز می شناسد باشد. اما رابطه رفسنجانی با امریکائیان نه همتی است و نه برابر حقوق، رابطه ای است مزورانه و تابع منافع جناح او که به برقراری رابطه با امریکا برای تحکیم موقعیت خویش نیاز دارد.

نه می تواند و نه می خواهد از موضع دفاع از منافع ملی، موضوع پیچیده "رابطه با آمریکا" را مورد بررسی قرار دهد.

تکیه بر مردم نیست و به عنوان یکی از موثرترین مهره های حکومت فقط در تمام فجایع ضد میهنی و ضد مردمی حکومت دوازده ساله ج.ا. مشارکت موثر و درجه اول داشته، به این مسئله حیاتی از دریچه تنگ و خودفرزانه بقای باند خویش می نگرد و هم از این روست که آنچه را از چشم "دشمن" پنهان نیست، از چشم مردم که در منطق رسمی حکومت "دوست" تلقی می شوند، پنهان می دارد.

جمهوری اسلامی بار دیگر حکم خمینی مبنی بر قتل نویسنده کتاب آیات

شیطانی را مورد تاکید قرار داد

روز چهارشنبه چهارم دی ماه دفتر خامنه ای طی اطلاعیهای بار دیگر بر تغییر ناپذیر بودن حکم اعدام سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی تاکید کرد. دفتر خامنه ای صدور این اطلاعیه را در پاسخ به "سوالات متعدد" اعلام داشته است.

در این اطلاعیه خاطر نشان شده است که در پی اخبار مربوط به تبری جستن سلمان رشدی، خامنه ای اعلام کرده که: حکم تاریخی و تغییر ناپذیر امام خمینی بر جای خود باقی است و سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان بشود تغییری در حکم بوجود نخواهد آمد. خامنه ای در این اطلاعیه خاطر نشان ساخته است که "مسلمان نهاده" در شیاعت مربوط به تبری جستن سلمان رشدی و تشبثات مربوطه آن نقش داشته اند.

همزمان با این، سلمان رشدی در مصاحبه با خبرنگاری ها اعلام

ائتلاف با رفسنجانی به تصفیه تندروها مشغول بود، علیرغم نطق های آتشین ضدامپریالیستی، در این مورد حاضر به اظهار نظر نشد و سکوت را ترجیح داد. به خوبی روشن بود که جناح حزب الله به اعلام تعهد مجدد در سطحی مثل وزارت خارجه راضی نیست و تایید خامنه ای را در این زمینه می طلبد. "سوالات متعدد" و فشارهای جناح تندرو، سرانجام خامنه ای را به موضع گیری آشکار در مورد تغییر ناپذیری حکم خمینی کشاند و صدور اطلاعیه دفتر وی از سوی تندروها بمثابة یک پیروزی تلقی شد که به کمک آن چوب بیشتری لای چرخ روابط پرشتاب رفسنجانی با دنیای غرب و بویژه انگلستان بگذارند.

جدا از کشمکش های درونی، تایید مجدد حکم خمینی توسط خامنه ای، نشانه بارزی از ادامه برخورد

کرد که به دین اسلام گرویده و انتظار دارد که در پناه رحمت اسلامی قرار گیرد. اما گرویدن سلمان رشدی به دین اسلام هیچ گونه واکنش مثبتی در میان مقامات جمهوری اسلامی برنینگیخته است و آنان همچنان در صدد قتل وی هستند.

حساسیت نسبت به موضوع سلمان رشدی از هنگام از سرگیری مجدد روابط ایران و انگلیس و بدنبال اظهار نظر مقامات انگلیسی در مورد تعهدات سپرده شده توسط دولت رفسنجانی نسبت به نادیده انگاشتن حکم خمینی آغاز شد. جناح حزب الله بدنبال انتشار این اظهار نظر ها، فشارهای شدیدی را برای زنده نگاهداشتن حکم خمینی آغاز کرد و بسیاری از مقامات و از جمله وزارت خارجه را مجبور به موضع گیری مجدد در مورد این مسئله ساخت. اما خامنه ای "رهبر انقلاب" که در

رژیم جمهوری اسلامی از نخستین روز تکیه زدن بر اریکه قدرت، سیاست کینه توزانه ای را در جهت محو همه نشانه های تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران در پیش گرفت، دشمنی با فردوسی حماسه سرای بزرگ ایران از جمله تبعات این سیاست بود و دلایل آن نیز روشن. زیرا فردوسی با خلق اثر بزرگ خود شاهنامه، سهم ارزنده و ماند گاری در جهت احیای فرهنگ و تمدن ایران و حفظ آن از تهاجم و دستبرد بیگانگان و استیلاگران عرب ایفا نمود.

اما از چند ماه پیش حکومت اسلامی ناگهان در صدد تجلیل از مقام فردوسی برآمد و تدارک کنگره ای را در جهت بزرگداشت وی آغاز کرد. این کنگره در آخرین روزهای سال ۹۵ یعنی سال جهانی بزرگداشت فردوسی و هزارمین سال سرایش اثر حماسی او و تحت فشار و تأثیر

رژیم اسلامی با مخالفان عقیدتی خود و دشمنی آشتی ناپذیر آن با آزادی و دموکراسی می باشد. رژیمی که برای قتل نویسنده ای دگر اندیش در گوشه ای از دنیایک میلیون دلار جایزه تعیین می کند و تیم های تروریستی پرورش می دهد خطر و تهدیدی است برای آزادی و دموکراسی در سراسر جهان.

در حالیکه چند روز بیشتر به پایان مهلت تعیین شده در اولتیماتوم سازمان ملل به عراق نمانده است، تلاشهای آخر برای حل صلح آمیز بحران خلیج فارس صورت میگیرد. کنفرانس های مختلف تشکیل میشود و سیاستمداران و دیپلماتها اقدام به مسافرت های پی در پی میکنند. جامعه اروپا فرستاده ای به بغداد گسیل میدارد. بیکر وزیر خارجه آمریکا برای ملاقات با طارق عزیز به ژنو میرود. ملک حسین پادشاه اردن از اروپا دیدن میکند. کشورهای غیر متعهد نیز فعال شده اند.

در روز پنجشنبه سوم ژانویه جرج بوش پیشنهاد ملاقات وزرای خارجه دو کشور عراق و آمریکا را در سوئیس مطرح کرد و ی گفت این ملاقات می بایست بین ششم تانهم ژانویه صورت پذیرد. این پیشنهاد از سوی سخنگوی کاخ سفید بعنوان آخرین شانس برای حل مسالمت آمیز بحران تلقی شد طبق گزارش خبرگزاری ها در روز شنبه پنجم ژانویه ملاقات طارق عزیز و بیکر در ژنو قطعیت یافت.

دان کوئیل معاون رئیس جمهور آمریکا که در آخرین روزهای سال ۱۹۹۵ از عربستان دیداری بعمل آورد. با تشنج جابر الاخمد الصباح امیر تبعیدی کویت دیدار کرد تا از او تقاضای کمک مالی بیشتری به عملیات "سپر صحر" ای ارتش آمریکا در عربستان کند. پیش از آن، معاون بوش توانست از ملک فهد پادشاه عربستان قول مساعد برای کمک مالی بیشتر بگیرد. به گفته کوئیل، جنگ در منطقه "سریع و تعیین کننده" خواهد بود. وی در دیدار با نیروهای آمریکایی در صحرای عربستان به آنها قول داد که پس از "انجام وظیفه" به خانه بر خواهند گشت.

ملک حسین پادشاه اردن هفته گذشته سفری به چند پایتخت اروپایی، از جمله پاریس و لندن داشت. ملک حسین گفت که در چارچوب ابتکار صلح شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر عمل میکند و خواهان اتخاذ یک مشی مستقل از سوی کشورهای اروپایی است.

وزیر خارجه لوکزامبورگ که کشورش در آغاز سال جدید ریاست جامعه اروپا برعهده گرفت، در نشست وزرای خارجه این جامعه در روز چهارم ژانویه ماموریت یافت به بغداد سفر کند. وزیر خارجه لوکزامبورگ گفت در صورت سفر به عراق به دولت این کشور خواهد گفت که عراق باید بدون چون و چرا از مصوبات سازمان ملل پیروی کند و تنها پس از عقب نشینی کامل از کویت، سایر مسائل خاور میانه قابل حل خواهد بود.

وزیر خارجه یوگسلاوی نیز به عنوان نماینده

فعالیت های بین المللی و داخلی دوستداران ادب ایران برگزار گردید. اما طرفداران رژیم در قطعنامه پایانی این کنگره جملاتی را وارد ساختند که انگیزه علاقه ناگهانی آخوندها به فردوسی را برملا نمود. در این قطعنامه گفته شده است: بزرگداشت هزارمین سال تدوین شاهنامه و شخصیت فردوسی بیشتر به این جهت است که فردوسی حکیم روح توحید و خداپرستی و نبوت و ولایت را خردمندانه در کالبد تاریخ این سرزمین دمیده و هویت ایران اسلامی را بر بنیان باورهای توحیدی بنا نهاده است!

بدین ترتیب دلیل فردوسی دوستی آخوندها روشن شد و البته این دلیلی بردرماندگی و هومافریمی مغرطاین حضرات نیز هست که برای مشروعت بخشیدن به سیستم نامشروع ولایت فقیه خود، این بار به دامن حکیم ابوالقاسم فردوسی آویخته اند!

اجلاس

سه جانبه اکو

در پاکستان

آخرین تلاشها برای حل مسالمت آمیز بحران

۱۵۲ کشور غیر متعهد به تلاشهای خود برای صلح ادامه میدهد. وی در پایان ماه دسامبر سفری به بغداد داشت و بدنبال آن، برای پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت پیامهایی فرستاد. وزیر خارجه یوگسلاوی از عربستان نیز دیدار خواهد کرد. او در بغداد شش بار با طارق عزیز وزیر خارجه و یک بار با صدام حسین رئیس جمهور عراق ملاقات کرد و پس از دیدار با صدام حسین اظهار اطمینان نمود که رئیس جمهور عراق آماده پذیرش یک راه حل مسالمت آمیز است.

در اولین روز سال جدید میلادی، دولت عراق فراخوان جدید حسنی مبارک رئیس جمهور در به عقب نشینی را رد کرد. یک تفسیر خبرگزاری رسمی عراق، مبارک را "دلالت در وفقو" خواند و افزود: "کویت در گذشته بخشی از عراق بود و در آینده، بخش از عراق خواهد ماند" مبارک روز ۳۱ دسامبر صدام حسین را فراخوانده بود که "شجاعت" نشان داده عقب نشینی از کویت را بپذیرد. فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه نیز صدام حسین را دعوت به تامل کرد. او در پیام سال نو گفت تخلیه کویت راه مذاکره در باره سایر مسائل منطقه را خواهد گشود.

هفته گذشته هراتسبح جنگی خود را تشدید کرد و حوانان ۱۷ ساله را به خدمت سربازی فراخواند. وزیر بهداری عراق ادعا کرد تاکنون در کشورش به هلت کمبود داروی ناشی از تحریم سازمان ملل، بیش از ۴۲۵۰ تن جان سپرده اند.

دولت امریکا نیز اعلام کرد ۲۶۶۷ تن دیگر از افراد گارد ملی و نغات بذخیره برای کمک به عملیات "سپر صحر" احضار شده اند.

روزنامه تایمز چاپ لندن به نقل از نظامیان کشورهای منطقه نوشت عراق در نخستین روز های جنگ شکست خواهد خورد. طبق این گزارش، این نظامیان با اطلاع از وضعیت نیروهای مسلح عراق گفته اند که روحیه این نیرو ها بسیار ضعیف شده است. بسیاری از سربازان وظیفه، از سال ۱۹۷۵ تاکنون مرخص نشده اند. همچنین گزارش هایی حاکی است سربازان گرسنه عراقی در خط مقدم از نیروهای امریکایی غذا گرفته و در عوض به آنها اجازه داده اند که تجهیزاتشان را بازرسی کنند. هارشا ابو فراله وزیر دفاع پیشین مصر میگوید ادعای عراق مبنی بر در اختیار داشتن تسلیحات مدرن، تو خالی است.

با کشته شدن دو سرباز دیگر آمریکایی طی دو سانحه در عربستان، شمار نظامیان آمریکایی که تاکنون در ارتباط با عملیات "سپر صحر" جان خود را از دست داده اند، به ۸۳ نفر رسید.

حکیم ابوالقاسم فردوسی هم طرفدار ولایت فقیه شد!

اما در این کنگره همه چیز به سود آخوندها تمام نشد و فرصتی گردید تا ادیبان و هلاتمدان واقعی فرهنگ و ادبیات ایران گردهم آیند و در راه اعتلای نام فردوسی و شاهنامه کوششهایی بکنند. همانان خواستار گسترش تحقیقات در مورد زبان فارسی و گشایش مرکزی برای هماهنگ کردن فعالیتها و تحقیقات مربوط به آن گردیدند و پیشنهاد دادند بنیادی تشکیل شود و با گردآوری همه نسخه های کهن شاهنامه و نقدهای نوشته شده متنی را فراهم آورد که از هر جهت مورد قبول شاهنامه شناسان جهان باشد. از جمله خواسته های دیگر شرکت کنندگان در کنگره ایجاد جایزه ای بنام جایزه فردوسی بود که هر سال به بهترین تحقیق در مورد وی و شاهنامه تعلق گیرد. کنگره از ایده تشکیل انجمن بین المللی استادان زبان و ادب پارسی نیز استقبال نمود.

بقیه از صفحه اول

پایان اجلاس ایران امیدواری کرد که از بروز جنگ جلوگیری شود. وی گفت ترکیه تا مورد حمله قرار نگیرد در جنگ شرکت نخواهد کرد. آگاهان سیاسی معتقدند بنظر نمی رسد که تلاش ایران برای برگزاری اجلاس سازمان کشورهای اسلامی تا پیش از ۱۵ ژانویه به نتیجه ای برسد.

از گزارش گالیندوپل پیرامون وضعیت حقوق بشر در ایران

بقیه از صفحه اول

مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی، از جمله ولایتی وزیر خارجه و متکی معاون او، در گفتگو با گالیندوپل اظهار داشته‌اند که می‌خواهند "همکاری" با نماینده ویژه را ادامه دهند. آنها خواهان تغییر موضع کمیسیون حقوق بشر در قبال جمهوری اسلامی شده‌اند و تهدید کرده‌اند که

در غیر این صورت "افکار همومی کشور ممکن است سیاست رسمی همکاری با نماینده ویژه و کمیسیون حقوق بشر را یک خطا ارزیابی کنند". ولایتی به گالیندوپل گفته است که به نظر جمهوری اسلامی نظارت بین‌المللی بر وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران نباید بطور "نامحدود" ادامه یابد و جمهوری اسلامی بطور درازمدت چنین نظارتی را تحمل نخواهد کرد. گالیندوپل از قول ولایتی نوشته است: "اگر کمیسیون حقوق بشر، موضع خود در قبال این کشور را تغییر ندهد، برخی تدریجاً در درون کشور چنین استدلال خواهند کرد که نتیجه‌گیری‌های مندرج در گزارش‌های نماینده ویژه و سفرهای وی به این کشور و همچنین رای‌های داده شده در کمیسیون، انگیزه سیاسی دارد."

مقامات اطلاعاتی و امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در ملاقات با گالیندوپل افسانه‌هایی در مورد تکنیک قوا در جمهوری اسلامی، عدم مداخله وزارت اطلاعات در محاکمات، بهره‌مندی متهمان از حق مشورت با وکیل و غیره سرهم‌بندی کرده‌اند که ارزش تکرار ندارد. گالیندوپل ادعاهای مزبور را در گزارش خود آورده است.

در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۹۵، گالیندوپل از زندان اوین بازدید کرده است. مسئولان زندان به او گفته‌اند که در تاریخ مزبور حدود ۲ هزار زندانی در اوین نگهداری می‌شده‌اند که به‌عنوان آنها در رابطه با قاچاق مواد مخدر، ۳۵ درصد آنها در ارتباط با جرائم هادی و تنها ۵ درصد آنها (۱۰۵ تا ۱۰۶ نفر) به دلایل سیاسی زندانی شده‌اند. طبق اظهارات این مسئولان، همه زندانیان سیاسی استان تهران در اوین به سر می‌برند. در بند ۲۲۲ گزارش همچنین آمده است: "مقامات زندان از اینکه نماینده ویژه برای ملاقات حضوری همدا افرادی را مخالف حکومت شناخته شده و یا اخیراً دستگیر شده‌اند اظهار تأسف کردند زیرا برای مقامات فرصت کافی جهت تأثیرگذاری مثبت بر نظرات انحرافی آنها وجود نداشته است." (۱)

گالیندوپل در گزارش خود می‌افزاید: "از آنجا که نماینده ویژه قبلاً از بخشهای مختلف زندان اوین بازدید کرده بود، خواهان آن شده دیدارشان این بار صرفاً به ملاقات با ۲۶ زندانی اختصاص یابد که خود انتخاب کرده بود. ۲۶ اسمی که در نیم اکتبر ۱۹۹۵ به مقامات داده شد مربوط به مواردی بود که نماینده ویژه درباره آنها اطلاعات مغلصه‌ای دریافت کرده بود. این موارد را می‌توان به شرح زیر

بقیه در صفحه ۷

امضاکنندگان نامه ۹۵ نفره به رفسنجانی، به اطلاع وی رسانده و خواهان کسب اطلاع از اتهامات وارده به آنها شده است.

در بند ۷۶ گزارش آمده است: "گزارشهایی حاکی است که هنگام سفر اول نماینده ویژه، چندین نفر که تلاش کرده بودند با وی در محل دفتر برنامه توسعه ملل متحد در تهران تماس بگیرند، توسط مأموران حکومت از این کار منع شده‌اند و مأموران آنها را برای بازجویی به چند مقر کمیته برده‌اند. بطور مشخص، گزارش شده که یک زن و شوهر (که اسامی آنها به نماینده ویژه تسلیم شده است) بدین طریق به کمیته خیابان مطهری در مرکز تهران برده شده‌اند. مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند و آنها را وادار به امضای یک تعهد کتبی مبنی بر عدم تماس با نماینده ویژه و یک عضو هیات او کرده‌اند. طبق این گزارش، افراد سپس بارها تهدید به مرگ شده و به کمیته برده شده‌اند. همچنین گفته می‌شود تعداد زیادی از شاکیان بالقوه (زندانیان سیاسی سابق یا بستگان افراد اعدام شده) از طریق تلغف تهدید شده و یا به مقر کمیته و دادستانی انقلاب احضار شده‌اند و به آنها با تهدید به زندان و اعدام گفته شده است که از مراجعه به نماینده ویژه اجتناب کنند."

گزارش گالیندوپل حاکی است رژیم جمهوری اسلامی "شاهدانی" را به عنوان اعضای سابق مجاهدین و بستگان "تربانیان" اعمال تروریستی، به ژنو فرستاده و گالیندوپل با آنها ملاقات کرده است. این افراد در اظهارات خود از حکومت فقها دفاع و به مجاهدین و کل اپوزیسیون حمله کرده‌اند. در مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی، گزارش گالیندوپل به تضییقات علیه مدارس ارمی اشاره دارد. بخش ویژه‌ای به دستگیری، اعدام، آزار و مصادره اموال بهائیان اختصاص یافته است. طبق این گزارش، حقوق بازنشستگی افراد بهایی قطع می‌شود و حتی در یک مورد، یک فرد بهایی را دستگیر کرده‌اند و به او گفته‌اند تا زمانی که حقوق ۱۴ سال بازنشستگی خود را پس ندهد، آزاد نخواهد شد.

گزارش سفر دوم به ایران

حدود نیمی از کل گزارش، به مشاهدات گالیندوپل در سفر دوم خود به ایران از نیم تا پانزدهم اکتبر ۱۹۹۵ اختصاص دارد.

در گزارش آمده است گالیندوپل خواهان ملاقات با آیت‌الله منتظری شده بود. این ملاقات به درخواست منتظری نخست از دهم به دوازدهم اکتبر موکول شد و باز توسط منتظری به کلی لغو گردید. برنامه رسمی سفر گالیندوپل شامل ملاقات با مقامات وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، دادستانی مواد مخدر، وزارت کشور، وزارت ارشاد، دادگاه انقلاب اوین، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس قوه قضائیه و معاونین او و نیز دیدار از زندان اوین، ملاقات با زندانیان و شرکت در یک جلسه محاکمه در اوین بوده است.

فیروز همسر آقای کیانوری علیرغم سن بالا و وضع بد سلامتی‌اش به سلول انفرادی انتقال یافته است."

این گزارش همچنین به موارد متعدد دیگری از شکنجه و بدرفتاری با زندانیان، با ذکر نام و نشان مشخص می‌پردازد. در ادامه گزارش، به موارد نقض حقوق زندانیان در استفاده از کمک وکیل مدافع و محاکمه شدن طبق اصول شناخته شده بین‌المللی اشاره شده است. از جمله، گزارش موارد زیر را می‌شمارد:

"خانم میترا هملی، ۳۶ ساله، پزشک، فرزند ضیاءالدین و اقدس گزارش شده است که او در نیم اکتبر ۱۹۸۴ بازداشت و به هفت سال زندان محکوم شد. همسر او، انوشیروان لطیفی، از رهبران سازمان فدائیان خلق ایران، در ۱۹۸۳ دستگیر و در ۱۹۸۸ اعدام شد. دختر او، خاطره، در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ در زندان بدینا اعدام. در ۲۸ آوریل ۱۹۸۴، این نوزاد برای نگهداری در خارج از زندان، به مادر میترا هملی تحویل داده شد. گزارش شده است که آزادی خانم هملی که باید در سال ۱۹۹۵ انجام گیرد، به ابراز انزجار علنی او از فعالیت‌های همسر فقیدش منوط شده است.

آقای راجر کوپر، بریتانیایی، ۵۵ ساله، تاجر، گزارش شده است که او در ۷ دسامبر ۱۹۸۵ به علت ماندن در ایران پس از انتضای مدت ویزای خود دستگیر شد. گفته می‌شود که او بدون اتهام مشخص زندانی شد و تا اوت ۱۹۸۶ از هرگونه ملاقات با نمایندگان دولت متبوع خود محروم بود. وی در ماههای اول پس از دستگیری علناً متهم به جاسوسی برای بریتانیا شد...

خانم زهره قائنی، حدوداً ۳۵ ساله، استاد دانشگاه و عضو هیات تحریریه یک نشریه زنان سازمان جوانان حزب توده بنام آذرخش... همسر او، آقای کیومرث زرشان... در پاییز ۱۹۸۸ اعدام شد..."

در این قسمت همچنین از دکتر فاطمه ایزدی همسر فریبرز صالحی ندایی خلق که در ۱۹۸۸ اعدام شد، فاطمه حسین زاده طوسی مقدم مشهور به گیتی آذرتنگ همسر سعید آذرتنگ، توده‌ای، اعدام شده در سال ۱۹۸۸، ملکه محمدی همسر محمد پورهرمزبان و زهره تنکابنی در زمره زندانیانی که حقوق آنها نقض شده، نام برده شده است.

بخش دیگری از گزارش به کنترل مکالمات تلفنی و مکاتبات پستی توسط معلولین جنگی و الزام چاپخانه‌ها به کسب اجازه از وزارت ارشاد برای چاپ هر مطلب اختصاص دارد.

طبق گزارش گالیندوپل، وی در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۹۵ نامهای به نماینده جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو ارسال داشته و نگرانی خود را از دستگیری عبدالعلی بازرگان، عزت‌الله سبحانی، رضا صدر، حسین بنی‌اسدی، شمس شمشجانی، نورعلی تابنده، یدالله شمس‌اردلان، علی اردلان، روشن اردلان، فرهاد بهبانی، عباس قائم‌صباحی، خسرو منصوریان، هاشم صافیان، محمد توسلی و اکبر زربینه‌باف، از

و نیز بازداشت گروهی از افراد دیگر، مربوط به واقعه فراری دادن یک مخالف حکومت از جمهوری اسلامی ایران است. این فرد، دوست نزدیک و خویشاوند دور عباس رئیس بوده است. گروه دستگیر شده همزمان با رئیس، شامل دو خویشاوند دیگر فرد فراری و نیز برادر او بنام محمدکریم نارویی، رئیس اداره پست چاه‌بهار بوده است. نارویی در تاریخ ۸ بهمن ۱۳۶۸ بدنبال محکوم شدن به مرگ طی محاکمه‌ای که روز قبل از آن انجام گرفت، در زاهدان اعدام شد. آقای رئیس که گفته شد یا در چاه‌بهار و یا در زندان زاهدان زندانی است، طبق این گزارش در معرض خطر اعدام قرار داشت، اتهامات علیه وی نامعلوم بود و معلوم نبود که محاکمه شده است یا نه. نماینده ویژه، طی نامه‌ای به تاریخ ۱۲ مارس ۱۹۹۵ خواهان اطلاع از اتمام واره به آقای رئیس، محاکمه یا عدم محاکمه او... شد... نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو طی نامه مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۹۵ پاسخ داد که آقای رئیس به اتهام همدستی با عراق در جریان جنگ تحمیلی محاکمه و محکوم به اعدام شده است. حکم اعدام پس از انجام تشریفات لازم قضایی اجرا شده است..."

در بند ۴۳ گزارش آمده است: "نماینده ویژه، به شدت از خبر قتل آقای کاظم رجوی نماینده شورای ملی مقاومت نزد چند ارگان سازمان ملل در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۵ در شهر کوپه سوئیس تکان خورد. همه آنهایی که آقای رجوی را می‌شناختند همگی از این حادثه درناک متأثر شدند... نامه‌های متعددی حاکی از اینکه این قتل توسط مأموران حکومت ایران انجام گرفته است، واصل شد... نماینده ویژه از دولت سوئیس خواسته است که هرگونه اطلاعات که قابل ارائه به او باشد، در مورد نتایج تحقیقات در این باره و اختیارات قرار گیرد. تا هنگام تکمیل گزارش حاضر، نماینده ویژه اطلاعات درخواستی را دریافت نکرده بود."

بند ۴۴ می‌افزاید: "قتل آقای رجوی نزد کسانی که برای دادن اطلاع پیرامون حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به مقر سازمان ملل در ژنو می‌آیند، ایجاد واهمه کرده است. آنها دست به تدابیر احتیاطی بیشتری زند تاجل توجه نگذاشتند و خواهان مراقبت ویژه پلیس شده‌اند."

در بند ۴۳ گزارش آمده است: "نماینده ویژه در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۵ خواهان کسب اطلاع درباره وضعیت آقای نورالدین کیانوری، دبیر اول سابق حزب توده شد که در جریان سفر اول خود به جمهوری اسلامی ایران با او در زندان اوین ملاقات کرده بود. طبق گزارشهای واصله، آقای کیانوری اندکی پس از ترک تهران توسط نماینده ویژه به حبس انفرادی منتقل شده و دیگر اجازه ملاقات با بستگان خود را نیافته بود."

در بند ۴۴ آمده است: "همچنین به اطلاع نماینده ویژه رسیده است که خانم مریم

جمهوری اسلامی موافقت شده است. جمهوری اسلامی رسماً از صلیب سرخ جهت انجام چنین سفرهایی دعوت کرده است. تمایل گالیندوپل به انجام سفر دوم، در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۹۵ به سیروس ناصری سفیر جمهوری اسلامی در مقر سازمان ملل در ژنو ابلاغ شده است. جمهوری اسلامی با انجام این سفر موافقت کرده است. نخست قرار بر این بوده که سفر مزبور در اواخر اوت یا اوایل سپتامبر انجام گیرد، اما به علت کسالت گالیندوپل تاریخ سفر به نیم تا پانزدهم اکتبر ۱۹۹۵ موکول شده است.

اطلاعات بدست آمده پیش از سفر به ایران

در بخش اطلاعات جمع‌آوری



شده پیش از سفر گالیندوپل به ایران، گزارش وی شامل موارد متعدد اخبار منتشره در رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی درباره اعدام افراد تحت عنوان قاچاقچی، جاسوس و ضدانقلابی است. در این بخش همچنین به اطلاعات بدست آمده از منابع غیردولتی، اشاره شده است. به عنوان نمونه در بند ۳۰ گزارش آمده است:

"روزنامه‌های چندین کشور، اظهارات میترا معزز ۲۱ ساله را منتشر کرده‌اند که وی در آن ادعا کرده که شاهد مرگ یک زن ۳۷ ساله و دو مرد ۱۸ ساله در یک زندان ایران از طریق سوزاندن قربانیان بوده است. طبق این گزارشها، دو پاسدار به اسامی جمشید سمرانی و مجتبی حلویی، این سه نفر را به درون شعله‌های آتش افکندند. گزارشهای مزبور حاکی است میترا معزز از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ به علت شرکت در تظاهرات ضد حکومتی زندانی بوده و پیش از بازجویی به مدت ۸۵ روز تحت شکنجه قرار داشته است. او پس از آزادی به دیدن خانواده یکی از دو مرد جوان به نام اصغر قربانی ملکی رفته است. خانواده ملکی به او گفته است که پاسداران زندان برای آنها جعبه‌ای حاوی خاکستر اصغر را آورده‌اند و در نتیجه شوک ناشی از این واقعه، پدر مرد جوان خودکشی کرده است."

بندهای ۳۱ تا ۳۳ گزارش حاکی است:

"عباس رئیس، یک افسر نیروی دریایی مستقر در چاه‌بهار، طبق یک گزارش در حوالی سپتامبر ۱۹۸۹ در چاه‌بهار به اتهام نامعلوم بازداشت شد. منبع خبر، این استنباط را دارد که دستگیری وی

تلاش‌های توجیه‌گرانه جمهوری اسلامی

گزارش گالیندوپل از مکاتباتش با مقامات جمهوری اسلامی از طریق نمایندگی این رژیم در سازمان ملل حاکی است که حکومت فقها طی یک سال گذشته بر تلاش‌های خود جهت تأثیر گذاشتن بر نحوه قضاوت کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در باره وضعیت حقوق بشر در ایران، افزوده است. بعنوان مثال، هر بار که در جمهوری اسلامی عده‌ای از زندانیان مشمول "هجو" می‌شده‌اند، بخشنامه‌ها و اخبار مربوط به آن از سوی نمایندگی جمهوری اسلامی برای گالیندوپل ارسال شده است. همچنین در دو مورد، لغو احکام دادگاههای شهرستانها توسط "دادگاه انضباطی قضاوت" را به اطلاع گالیندوپل رسانده‌اند. نمونه دیگر، دعوت محمدتقی جعفری از تئوریسین‌های جمهوری اسلامی از گالیندوپل برای دیدار "خصوصی" از ایران است که نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر این دعوت را رد کرده است. بخشنامه محمدی‌زیدی رئیس قوه قضائیه را نیز که در آن ادعا شده است متهمان باید از حق داشتن وکیل برخوردار باشند، باید در زمره همین تلاشهای فریب‌کارانه دانست که تنها مصرف خارجی دارد و برای گمراه کردن گالیندوپل صورت گرفته است.

به گزارش گالیندوپل، در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۵ نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل به وی اطلاع داد که با درخواست او جهت بازدید منظم صلیب سرخ بین‌المللی از زندانهای

از رویدادهای ایران

تصویب خرید نفت از ایران در کنگره آمریکا

بموجب لایحه‌ای که در کنگره آمریکا به تصویب رسیده و از تایید جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا هم گذشته است، کمپانیهای امریکائی بعد از این میتوانند بصورت تک معامله‌ای از ایران نفت وارد کنند ولی بشرط آنکه بهای نفت را به صندوق دادگاه ویژه لایحه بپردازند و مستقیماً به حکومت جمهوری اسلامی پرداخت نمایند. حسینی سرپرست امور بین‌المللی وزارت نفت جمهوری اسلامی در این رابطه گفت ایران آماده است به امریکا نفت بفروشد ولی تاکید کرد که عقیده خود را بیان میدارد و این اظهار نظر رسمی دولت رفسنجانی نمی‌باشد وی اضافه کرد تصور نمی‌کند که ایران با پیشنهاد امریکا مخالفت ورزد. چون ایران با فروش نفت به امریکا میتواند وامهای آینده را مستهلک سازد ولی هنوز ایران با شرکت‌های امریکایی تماس نگرفته است.

حل بخشی از دعاوی مالی ایران و فرانسه

در هفته گذشته وزیر اقتصاد فرانسه تایید کرد که دادگاه ژنو به شرکت فرانسوی یورودیس دستور داده است که مبلغ ۱۸۵ میلیون دلار به حکومت جمهوری اسلامی بپردازد. وی افزود صدور این حکم تنها بخش کوچکی از دعاوی مالی ایران و فرانسه می‌باشد که هم‌اکنون در دادگاههای مختلف در دست رسیدگی قرار دارد. خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد که این شرکت وظیفه دارد نیمی از این مبلغ را فوراً بپردازد و بقیه آن را تا دو سال دیگر مستهلک سازد. فرانسه بابت خسارت به شرکت‌هایی که قرار دادهای آنها با ایران در جریان روی کار آمدن جمهوری اسلامی نقض شد، حدود دو میلیارد دلار مطالبه کرده است.

تظاهرات در برابر سفارت انگلستان در تهران

جمعی از دانشجویان و افراد حزب‌اللهی روز ۵شنبه گذشته در برابر سفارت انگلیس در تهران دست به تظاهرات زدند. خواست تظاهرکنندگان آزادی مهر داد کوکبی دانشجوی حزب‌اللهی از زندان انگلیس بود. مهر داد کوکبی ۱۳ ماه پیش به دنبال تلاش برای به‌آتش کشیدن کتاب معروف آیت شیطانی نوشته سلمان رشدی توسط پلیس انگلستان دستگیر شد و از آن هنگام تاکنون در زندان به سر می‌برد. عناصر تندرو حکومت بازداشت کوکبی در انگلستان را بهانه‌ای برای تخریب روابط احیا شده دولت رفسنجانی با این کشور قرار داده‌اند و تاکنون چندین بار کوشش کرده‌اند که به این بهانه مانع از سرگیری و بهبود روابط جمهوری اسلامی با انگلستان شوند. هم‌زمان با تظاهرات آخر تدریجاً همسر مهر داد کوکبی همراه با فرزندان خود در مقابل سفارت انگلستان دست به تحصن زد و اعلام کرد این تحصن را تا آزادی همسرش ادامه خواهد داد.

در این میان کاردار سفارت انگلستان در تهران در دیدار با نماینده خبرگزاری آسوشیتدپرس ادعای روزنامه جمهوری اسلامی مبنی بر خودداری انگلستان از دادن ویزا برای شرکت گروهی از دانشجویان وابسته به رژیم در دادگاه کوکبی را تکذیب کرد و گفت هیچ کدام از این دانشجویان که تعداد آنها ۱۳ نفر ذکر شده است - هنوز تقاضای ویزا از سفارت نکرده‌اند.

اجرای مانور در ۳ استان مرزی کشور

رژیم اسلامی در صدد اجرای یک مانور بزرگ زمینی در مرزهای غربی کشور است. این مانور که از هفته آخر دی ماه در سه استان مرزی ایلام، باختران و خوزستان انجام می‌شود، یک ماه به طول خواهد انجامید. ولایتی و زیر خارجه رژیم در سفر اخیر خود به اسلام‌آباد هدف از این مانور را آمادگی جمهوری اسلامی برای دفاع از مرزها در صورت وقوع جنگ در خلیج فارس اعلام کرد. اوایل آذرماه نیز مانور مشترک نیروهای دریایی ارتش و سپاه پاسداران در آبهای جنوبی کشور برگزار گردیده بود. بدنبال این مانور شمعخانی، فرمانده نیروی دریایی، بطور همزمان به سمت فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران منصوب گردید. تعیین فرماندهی واحد برای نیروی دریایی ارتش و سپاه، به منظور تمرکز هر چه بیشتر قدرت دریایی جمهوری اسلامی عنوان شده است.

سفر یک هیئت

هراقی به تهران

روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه یک هیئت هراقی به ریاست ریاض القیسی مدیرکل امور بین‌المللی در وزارت خارجه هراق وارد تهران شد. هدف این هیئت مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی در مورد مسافرت زائران ایرانی به اماکن مقدس شیعیان در هراق اعلام شده است و این در حالی است که اختلافات موجود میان دو رژیم در مورد آزادی کامل اسرا و ولایت‌گذاری‌های مرزی هم‌چنان به قوت خود باقی است. گفته می‌شود اختلاف نظر در مورد علامت‌گذاری مرزها بسیار جدی است و هراق مدعی مالکیت برخی از مناطق مرزی ایران که دارای منابع سرشار نفتی هستند، می‌باشد.

اخیراً نیز علی‌اکبر ولایتی در سفر به فرانسه و ضمن مصاحبه با تلویزیون آن کشور فاش ساخت که هراق قرار داد ۱۹۷۵ را به‌طور مشروط پذیرفته است! رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه با سر و صدای بسیار از فتح و پیروزی و تحمیل خواستهای خود بر رژیم هراق سخن می‌گوید، اما هرگز گزارشات و اطلاعات واقعی در مورد میزان توافقات دو رژیم و اختلافات باقی مانده منتشر نمی‌سازد.

افزایش دستمزد

حقوق بگیران

حکومت جمهوری اسلامی که با ناراضیتی و اعتراض روزافزون اقشار زحمتکش جامعه نسبت به افزایش سرسام‌آور قیمت کالاها و خدمات، روبرو است، در هفته‌های اخیر برای جلوگیری از حدت یابی این اعتراضات، به اقدامات نیم‌بند دست زده است. در هفته گذشته نیز در جلسه شورای عالی کار که با شرکت نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان تشکیل شد با افزایش ماهیانه بیست هزار ریال به دستمزد حقوق بگیران مشمول قانون تامین اجتماعی از اول فروردین ماه سال آینده موافقت شد. قائم مقام وزارت کار که این خبر را اعلام کرد، به خبرنگاران گفت این تصمیم بخاطر نقش کارگران در اقتصاد کشور و به منظور حفظ قدرت خرید آنها اتخاذ شده است. وی افزود اجرای مفاد این مصوبه در صورتی که موجب افزایش دستمزد ماهانه حقوق بگیران از حد نصاب مربوط به کمک پرداخت هزینه مسکن و خواربار شود، باعث قطع کمک‌ها نخواهد شد.

کمبود آب و افزایش ساعات قطع برق

است کسانی که از بخاری برقی برای گرم کردن خانه استفاده میکنند به خرید نفت روی بیاورند و در برابر جایگاههای نفت صف‌های طولیل تشکیل دهند. کارشناسان وزارت نیرو میگویند دولت بموقع اقدام به ایجاد نیروگاههای برق که با سوخت مایع کار کنند، اقدام نکرده است. در همین حال آنها نگرانند که کمبود بارندگی در تهیه آب شهروندان هم مشکل اساسی ایجاد نماید.

کمبود بارندگی امسال موجب کاهش میزان آب در کشور گردیده است. کشاورزان ایران از کمبود آب نگران هستند. خشکسالی امسال در همین حال موجب کاهش تولید برق گردیده است. خبرگزاری جمهوری اعلام کرد طی چند روز اخیر قطع برق در تهران و چندین شهرستان سه ساعت بیشتر از قبل بوده است. در تهران و برخی شهرهای بزرگ دیگر در طول روز دو ساعت برق قطع مشود. خاموش برق موجب شده

پیامدهای تحویل سلاحهای پیشرفته به جمهوری اسلامی

کویت و به فاجعه کشاندن منطقه بکار گرفته می‌شود. امروز سلاح‌هایی که در ایران انباشته میشود می‌تواند فردا خطرات جدی توسط رژیم جمهوری اسلامی در منطقه و جهان بوجود آورد.

متأسفانه با وجود تحولات ریشه‌ای در سیاست خارجی اتحاد شوروی، هنوز در مواردی مشاهده می‌شود که هم‌چنان سیاست‌های کهنه از جمله فروش اسلحه توسط این کشور دنبال می‌شود. در گذشته فروش اسلحه توسط اتحاد شوروی رقم درشتی را در میزان کل تجارت اسلحه در جهان و در میزان صادرات آن کشور تشکیل می‌داد. شوروی در آن موقع اهداف مختلفی را از فروش اسلحه تعقیب می‌کرد. یک جنبه آن کمک به جنبشهای رهایی بخش در مقابل تجاوزات آمریکا و متحدین بود (مثل نمونه ویتنام). جنبه دیگر آن جلب یک سری دولت‌ها به جبهه کشورهای بود که در مقابل غرب قرار داشتند (مثل سوریه، لیبی و...) و جنبه سوم آن کسب درآمد از فروش اسلحه بود.

تجارت سلاح یکی از پرسودترین معاملات بحساب می‌آید. با طرح "تفکر نوین سیاسی" و تلاش برای زودودن قهر از مناسبات بین‌المللی و دگرگونی سیاست خارجی اتحاد شوروی، تغییرات قابل توجهی در سیاست صدور سلاح این کشور بوجود آمد. شوروی سیاست کاهش درگیری‌های منطقه‌ای را در پیش گرفت و از میزان صدور سلاح به این مناطق کاست (نمونه نیکاراگوئه).

فروش سلاح‌های پیشرفته و ته‌جمی به رژیم جمهوری اسلامی هیچ انطباقی با "تفکر نوین سیاسی" و تلاش‌های اتحاد شوروی برای ساختن جهان هاری از زور و قهر ندارد. اتحاد شوروی در گذشته سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌است و به ماهیت سیاست‌های توسعه طلبانه آن آگاهی دارد.

برای نیروهای مترقی ایران، فروش اسلحه مدرن و ته‌جمی به رژیم سرکوب‌گر و توسعه طلب جمهوری اسلامی قابل قبول نبوده و مردود می‌باشد. باید تحویل این سلاح‌ها قطع گردد و فروش اسلحه بخاطر سود و جلب حمایت دولت‌ها که همواره مخاطره‌آمیز بوده و علیه صلح و امنیت جهانی عمل کرده است، کنار گذاشته شود.

پذیرش وکیل مدافع در

بقیه از منصفه اول

اهلامیه سازمان عفوبین الملل، سران رژیم بشدت عکس‌العمل نشان دادند و به موضع‌گیری خصمانه روی آوردند. ولایتی گالیندوپل را متهم کرد که دچار ضعف بینش نسبت به حقوق اسلامی است و تلقی او از جزئیات مربوط به حقوق بشر در جمهوری اسلامی ناشی از یک تضاد فرهنگی است. تصویب این ماده واحده توسط مجلس رژیم و پذیرش دفاع وکیل در دادگاهها، بطور آشکار کذب سخنان ولایتی را نشان داد.

تصویب ماده واحد گام هر چند ناچیزی است و تا تامین حقوق بشر در ایران راه بس طولانی

وجود دارد، ولی می‌بایستی آنرا بمنزله پیشروی نیروهای آزادیخواه و عقب‌نشینی رژیم سرکوب‌گر تلقی کرد و آنرا گام نهاده.

دلیل منطقی اتحاد شوروی در آن زمان برای هدم تحویل این نوع سلاح‌ها که رژیم جمهوری اسلامی مصرأ خواستار آنها بود، شعله‌ور بودن جنگ ایران و عراق بود. ولی واقعیت آن است که پذیرش قطعنامه سازمان ملل متحد و قطع جنگ به معنی تغییر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی نبود. بلکه وضعیت کشور از جنبه‌های مختلف به گونه‌ای بود که رژیم دیگر قادر نبود جنگ را ادامه دهد. در صورت ادامه جنگ، موجودیت نظام جمهوری اسلامی در مخاطره جدی قرار میگرفت. ایران تجاوز هراق را در سال ۶۲ پس زد، ولی ادامه جنگ از سال ۶۲ تا ۶۷ صرفاً بخاطر ساقط کردن رژیم صدام و روی کار آمدن حکومت طرفدار جمهوری اسلامی در هراق بود. رژیم حاکم برای رسیدن به اهداف خود، صدها هزار نفر را قربانی کرد و سرمایه عظیمی را بر باد داد و خمینی پذیرش قطعنامه سازمان ملل متحد را به عنوان نوشیدن جام زهر تلقی کرد. طبقاً زمانیکه جمهوری اسلامی به سلاح‌های پیشرفته ته‌جمی مجهز باشد، به هیچ وجه حاضر نخواهد شد که جام زهر بنوشد.

امروز جمهوری اسلامی با هیچ کشوری در حال جنگ نیست و جنگ ایران و عراق تنها خاتمه یافته است. ولی در آینده چطور؟ چه کسی فکر می‌کرد که صدام حسین کویت را اشغال خواهد کرد و چنین وضع بحرانی را در منطقه و جهان بوجود خواهد آورد؟ تجمیز رژیم هراق به سلاح‌های مدرن و شیمیایی بصادم اجازه داد که کویت را اشغال کند و به هم‌اوردی با جهانیان برخیزد. حسین کویت را اشغال کند و به هم‌اوردی با جهانیان برخیزد. ولی صدام چگونه به این سلاح‌ها دست یافت. تمام اطلاعات نشان می‌دهد که این کشورهای غربی و اتحاد شوروی بود که صدام را به چنین قدرتی رساندند. بی‌تردید می‌توان گفت که صدام بدون کمک غرب به انحای مختلف قادر به تولید سلاح‌های شیمیایی نبود. و این موشک‌های شوروی بودند که با تغییراتی که توسط هراقی‌ها روی آنها صورت دادند به موشک‌های دوربرد تبدیل شده‌اند.

سلاح‌هایی که آن موقع در هراق انباشته می‌شد، امروز علیه

خبرگزاری جمهوری اسلامی هفته گذشته اعلام کرد که یک فروند از موشک‌های ضد هواپیمایی سام ۶ با موفقیت آزمایش گردید. این موشک‌ها در اختیار سپاه پاسداران بوده و پرتاب آزمایشی آن در پایگاه جرج صورت گرفته است. مدتی قبل نیز اعلام گردید که جمهوری اسلامی دارای یک اسکادران میگ ۲۹ است. این سلاح‌ها را اتحاد شوروی بر طبق یک قرارداد نظامی و صنعتی ۶ میلیارد دلاری که در سال ۱۹۸۹ در مسافرت رفسنجانی به شوروی بین دو طرف منعقد شده بود، به ایران تحویل داده‌است.

در زمان انعقاد قرارداد، از جانب دو طرف سخنی در مورد نوع سلاح‌ها و میزان آنها گفته نشد و مضمون قرارداد نظامی مکتوم ماند. فقط در نمایش‌های جمهوری اسلامی معلوم شد که فعلاً اتحاد شوروی این دو نوع سلاح را به ایران فروخته است. هنوز هم روشن نیست که آیا شوروی سلاح‌های دیگری از جمله موشک‌های دوربرد به ایران فروخته است یا نه؟

فروش این نوع سلاح‌ها از جانب شوروی به جمهوری اسلامی سؤالات متعددی را در بین نیروهای ترقی خواه مطرح ساخته است. آیا جمهوری اسلامی با تجهیز به این نوع سلاح‌ها به نیروی مهاجم تبدیل نخواهد شد؟ و بکفر تشدید فعالیت‌های نظامی جهت صدور "انقلاب اسلامی" بر نخواهد آمد؟ و آیا این تجهیز به زیان امنیت منطقه خلیج فارس تمام نخواهد شد؟

هم کشوری برای دفاع از مرزهای خود در مقابل تجاوز کشورهای دیگر به نیرو و تجهیزات نظامی نیاز دارد. بضای این نیازها توسط کشورهای دیگر تامین می‌شود که در شرایط کنونی جهان امری است پذیرفته شده و مقبول. ولی زمانیکه میزان و نوع سلاح‌ها نشان می‌دهد در کشوری که سلاح‌های ته‌جمی انبار میشود هدف دفاع از کشور را تعقیب نمیکند، مسئله بگو نه دیگر در می‌آید. بویژه اگر این سلاح‌ها در اختیار رژیم‌های ارتجاعی و ماجراجو قرار گیرد.

سلاح‌هایی که اتحاد شوروی در اختیار رژیم جمهوری اسلامی می‌گذارد گرچه بر خی جنبه دفاعی دارند ولی هواپیمای جنگی پیشرفته میگ ۲۹ را نمیتوان سلاح تدافعی به‌شمار آورد.

رژیم جمهوری اسلامی همانند رژیم شاه با تمام قوا میکوشد به سلاح‌های مدرن و ته‌جمی مجهز گردد و نیروهای نظامی خود را تقویت کند. این مسئله را به وضوح می‌توان از میزان بودجه اختصاصی به بخش نظامی مشاهده کرد. در دوره جنگ ایران و عراق، بخش اعظم بودجه کشور را مصارف نظامی می‌بلعید. بعد از اتمام جنگ، رژیم جمهوری اسلامی هم چنان بودجه سنگینی را برای بخش نظامی اختصاص می‌دهد. رفسنجانی در طرح بودجه سال ۷۵ که به مجلس ارائه کرده‌است ۴۵ درصد بر میزان بودجه نظامی کشور افزوده است. ایران هم اکنون دارای صنایع نظامی وسیع و نیروی عظیم نظامی است. اتحاد شوروی در زمان جنگ ایران و عراق از تحویل این گونه سلاح‌ها به ایران خودداری میکرد



نلسون ماندلا آزاد شد و جای واقعی خود را به عنوان سیاستمدار آفریقای جنوبی بازیافت. آپار تاید فرو می ریزد.

دهه ۹۰ با سالی توفانی آغاز شد. جهان، پوسته کهنه اش را شکافته است و به استقبال دهه ای ناآرام می رود. از انفجاری که روی داد، مدتی آنچنان طولانی نمی گذرد که نظم جدید بتواند بجای نظم ۴۰ ساله بنشیند. همه چیز در همه جا در حرکت و ناآرامی است. حوادث و روندها، به کلاف سردرگمی می مانند که ظاهر انتعا قانون حاکم بر آن، قانون افزایش مداوم "انتروپی" است. جهان، ناآرام تر شده است، و بهترین گواه آن، تصاویر سال ناآرام ۱۹۹۰ است.

* * *



ایران: بلایای طبیعی، بر بلایایی که منشأ انسانی دارند، افزوده می شوند. زلزله ای هولناک، دهها هزار تن از هموطنان ما را به قربانی گرفت.



لیبریا: جنگی خونین بر سر قدرت. در آفریقا جنگ های داخلی رنگ قبیله ای به خود می گیرند. تساوت، قانون اول این جنگ هاست.

۱۹۹۰

در آئینه

تصاویر



قتل عام فلسطینیان در بیت المقدس:

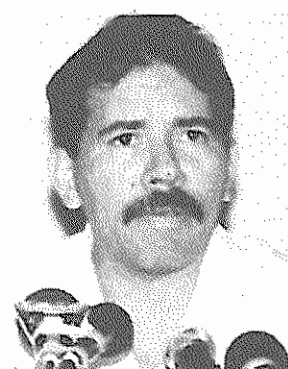
انتفاضه سه ساله شد.



جنگ کنتر، نیکاراگوئه را به زانو درآورد.

مردم از جنگ خسته شدند، و برنده،

ویولتا چامورو بود.





تاچر رفت، آیا تاچر یسم هم خواهد رفت؟

۱۹۹۰ در آئینه

تصاویر



نیروهای آمریکایی در عربستان: ضیافت پایان جنگ سرد، خیلی زود تمام شد. گام‌های جنگ بر منطقه‌ای حساس از جهان سنگینی می‌کند.



لهستان: رهبر جدید، خود نماد فلاکت یک ملت است. دستبوس تاچر، رئیس‌جمهور می‌شود.



کس گمان نمی‌کرد حمل بلع با این سرعت انجام پذیرد.

سوم اکتبر: دو آلمان یکی شدند، دقیق‌تر بگوییم آلمان غربی، آلمان شرقی را بلعید. هیچ



زمستانی سخت در مسکو: ابر قدرت سابق، با کوهی از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند. شوروی به کجایی رود؟

باز یافته راضی‌تر از مردم آلمان اند. در اینجا کسی نمی‌تواند که مخارج وحدت چقدر است. صالح: شما کلابی‌شتر به پول فکر می‌کنید. هر چیز، بهایی دارد. اما آلمانی‌های غربی دیگر چرا باید ناراحت باشند؟ شما با پول خود کل آلمان شرقی را خریدید. آیا این معامله خوبی نیست؟

اشپیگل: به بحران خلیج بازگردیم. آیا شما از مذاکرات مستقیم میان آمریکا و عراق انتظار نتایج مثبت دارید؟

صالح: من معتقدم این مذاکرات می‌تواند به کاستن از تشنج اوضاع کمک کند. معاون من وزیر خارجه ما به بغداد رفته‌اند تا با دولت عراق درباره چگونگی به موفقیت رساندن این تماسها مشورت کنند. ماچه در شورای امنیت و چه در مذاکرات دو جانبه هر آنچه در توان داریم انجام خواهیم داد.

اشپیگل: فکر می‌کنید چه چیز در توان شما باشد؟

صالح: اگر این بحران هنوز یک بحران عربی می‌بود، ما می‌توانستیم کارهای بیشتری انجام دهیم، اما اختلاف دیگر مدتهاست که به اختلافی میان آمریکا و عراق تبدیل شده است. بنابراین تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که بطور مکرر از این دو کشور بخواهیم بدنبال یک راه حل مسالمت‌آمیز باشند.

اشپیگل: واگر موفق نشدید؟ صالح: آنگاه فاجعه روی خواهد داد، برای همه. زیرا در یک جنگ، برنده‌ای وجود نخواهد داشت.

مربوطه اسم ببرم: منظور شما، مرز مورد اختلاف ما با عربستان سعودی است. (عبدالعزیز بنیانگذار دولت سعودی اواخر دهه ۲۰ مناطق جیزان، نجران و اسیر در شمال یمن را اشغال کرد از ۱۹۳۴ بدین سو دوبار در این مورد یک قرارداد موقت با ۲۰ سال اعتبار منعقد شده است که طرفین باید تا سال ۱۹۹۴ مجدداً آن را مورد مذاکره قرار دهند. اشپیگل) دولت یمن متحد رسماً اعلام کرده است که این مسئله را دیگر تنها با عربستان سعودی مورد مذاکره قرار نخواهد داد بلکه در صورت لزوم در مورد آن به مراجع بین‌المللی روی خواهد آورد. ما در مورد این منطقه دعای مستدل حقوقی و تاریخی داریم که باید درباره آن مذاکره شود.

اشپیگل: احیای غیر منتظره وحدت یمن، چگونه بدین سرعت انجام گرفت؟ به نظر می‌رسد وحدت شما ساده‌تر از وحدت آلمان صورت گرفت، در حالیکه خصوصیت یمن شمالی و جنوبی کمتر از خصوصیت میان آلمان شرقی و غربی نبود.

صالح: هر کشور، راه خود را می‌رود. ما راه مذاکره میان دو طرف برابر حقوقی را طی کردیم. شما به گونه‌ای دیگر عمل کردید، پول خود را پیش‌گذاشتید و به آلمان‌های شرقی گفتید: الان شما را می‌خریم، همین و بس. اما ما یمنی‌ها، چه در شمال و چه در جنوب، بسیار فقیر بودیم.

اشپیگل: به نظر می‌رسد مردم اینجا در مجموع از وحدت

بشکه نفت خواهیم رسید. برای نیازهای انرژی خود ما، منابع عظیم گاز وجود دارد. اشپیگل: این همه نیاز به زمان دارد.

صالح: البته، و برای همین ما پیش‌بینی می‌کنیم که در دو سال آینده کم‌کم دشواری‌های زیادی داشته باشیم. اما پس از آن، سیر سعودی آغاز خواهد شد. ما یک ملت فقیر و قانعیم و مانند برخی دیگر، به عادت نشده‌ایم. ما هنوز کارهایمان را خود انجام می‌دهیم و نیازی به بیگانگان نداریم.

اشپیگل: آیا کینه توزی همسایگان شما علیه یمن متحد، ممکن است به هراس آنها از یک دولت قوی در گوشه جنوبی شبه جزیره عربی مربوط باشد. صالح: از دولت معینی اسم نمی‌برم، اما کاملاً ممکن است چنین باشد، و شاید توطئه‌ها و منافع برخی سرویس‌های جاسوسی که یمن متحد را خطری برای منطقه جلوه می‌دهند، در این امر تاثیر بگذارد. اما برخلاف ادعای آنها، وحدت باز یافته یمن، نه یک تهدید، که یک عامل ثبات افزا برای کل منطقه است. ما هیچ‌گونه خیال تعرض نداریم. به هیچ کس.

اشپیگل: اما یک اختلاف حل نشده مرزی وجود دارد که موضوع آن، منطقه‌ای به بزرگی یک سوم قلمرو کنونی یمن است. و این مسئله، حداکثر چهار سال دیگر باید در دستور کار قرار گیرد. صالح: آری، چنین است، و در این مورد ابایی ندارم که از کشور

بکنید به جز در مورد عربستان سعودی.

اشپیگل: در تاریخ ۲۲ ماه مه، یمن پس از مدتها جدایی که اغلب با خصومت نیز همراه بود، وحدت خود را مانند آلمان باز یافت. و درست اکنون که شما به همه امکانات برای غلبه بر مسائل مربوط به وحدت نیاز دارید، به ملت بحران خلیج که در واقع اصلاً ربطی به شما ندارد دچار بحران اقتصادی می‌شوید. این در حالی است که نزدیک به هفت میلیارد دلار بدهی خارجی دارید.

صالح: این بحران ما را باز هم بیشتر به هم پیوند می‌دهد. خلق یمن بر اثر این وقایع هشیار شده است و اکنون به دقت می‌نگرد که چه کسی علیه یمن توطئه می‌کند و می‌خواهد باز وحدت را تخریب کند. بدون این بحران، شاید وحدت ما شکننده‌تر می‌بود...

اشپیگل: ...و دشمنان شما مانند گذشته می‌کوشیدند دو دولت یمن را مقابل هم قرار دهند. صالح: دقیقاً. البته چنین کوششی موفق نمی‌بود. اما ما امروز یکپارچه شده‌ایم. درست است که کمک‌های مالی از خلیج دیگر نمی‌رسد و ما هفت میلیارد دلار بدهی داریم. اما ما هنوز از امکانات بسیار زیادی برخورداریم که تا اکنون بلااستفاده مانده است. شرکت‌های بین‌المللی پس از مدتها اینک مشغول حفاری در کشور ما برای استخراج نفت‌اند و به کشفهای امیدوار کننده‌ای دست یافته‌اند. ما تا سال دو هزار به استخراج روزانه دو میلیون

مصاحبه "اشپیگل" با علی عبدالله صالح

بقیه از صفحه ۱

فشار شدید نیز از اصول خود دست نخواهیم کشید. البته ما آنقدر خوش خیال نیستیم که به عدالت امید ببندیم. در سیاست به هر حال از عدالت خبری نیست، در این بحران و در سازمان ملل هم همین طور، نه عدالتی وجود دارد، نه اخلاق، نه عقل سلیم. اشپیگل: این سخنان، طنین تلخی دارد.

صالح: ببینید، از روز دوم اوت تاکنون، همه طرف‌های درگیر ۷۸ میلیارد دلار خرج این بحران خلیج کرده‌اند. اگر شیخ نشین‌های نفتی تنها بخش کوچکی از این مبلغ، مثلاً ۱۰ میلیارد دلار را زمانی که با عراقی‌ها بر سر خسارات نفتی مذاکره می‌کردند، به آنها داده بودند، اصلاً چنین بحرانی پیش نمی‌آمد.

اشپیگل: شاید هنوز هم بتوان جلوی جنگ را گرفت اگر متجاوز عقب‌نشینی کند.

صالح: چه کسی است که واقعا بدنبال اهدافی باشد که وانمود می‌کند، مثلاً حقوق بین‌الملل یا اخلاق؟ نه، بحث بر سر منافع کاملاً مادی است، منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی. پس چرا برای خلق فلسطین از حق و اخلاق خبری نیست؟ پس کجاست آن اراده آهنین برای به کرسی نشاندن مصوبات شورای امنیت به هر قیمت؟ این همبستگی فشرده بین‌المللی چگونه اینقدر ناگهانی و

صالح: چه کسی است که واقعا بدنبال اهدافی باشد که وانمود می‌کند، مثلاً حقوق بین‌الملل یا اخلاق؟ نه، بحث بر سر منافع کاملاً مادی است، منافع سیاسی، اقتصادی، نظامی. پس چرا برای خلق فلسطین از حق و اخلاق خبری نیست؟ پس کجاست آن اراده آهنین برای به کرسی نشاندن مصوبات شورای امنیت به هر قیمت؟ این همبستگی فشرده بین‌المللی چگونه اینقدر ناگهانی و

از گزارش گالیندوپول...

بقيه از منجم ۳

که حاکی بود آنها بدنبال سفر اول نماینده ویژه مورد آزار سخت قرار گرفته‌اند... آقای کیانوری اظهار داشت که اجازه‌ای که به او برای دیدن همسر و دخترش برای یک ساعت در هفته داده شده بود، به یک تماس تلفنی با همسرش هر چهار هفته یک بار و یک ملاقات با دخترش هر دو هفته یک بار کاهش یافت. با این حال، او بر خلاف گزارش‌های رسیده به سلول انفرادی انتقال نیافته بود، و سه هفته پیش، آهنگ قبلی ملاقات با بستگانش برقرار شده بود. به نظر می‌رسید که او نسبت به ژانویه ۱۹۹۰ در موقعیت جسمانی بهتری به سر می‌برد. آقای کیانوری اظهار داشت که خواهان صدور اجازه عمل جراحی در مورد همسرش در خارج از زندان شده است، اما تا آن هنگام مسئولان به‌این درخواست او پاسخی نداده بودند. خانم مریم فیروز از انواع مختلف شکنجه که از ابتدای دستگیری در سال ۱۹۸۲ در مورد او اعمال شده بود نام برد. این شکنجه به کر شدن یک گوش او، دشواری بسیار در فرو دادن غذا و هوابه دیگر ناشی از ضربات سخت منجر شده بود. خانم مریم فیروز اجازه خواست تا اظهاراتش را ایستاده بیان کند زیرا در حالت نشسته درد زیادی متحمل میشد. او با توجه به وضعیت جسمانی‌اش، از مسئولان زندان خواسته بود که به زندگی در یک سلول با دیگران وادارش نکنند، و با این درخواست موافقت شده بود، از سوی دیگر، بی‌هم نشینی به افسردگی روحی سختی در او انجامیده است. خانم مریم فیروز اظهار داشت که در طول هشت سال زندان و به ویژه طی سه سال اخیر، از سوی تعدادی از افراد زندان مورد رفتار مطبوعه‌ی قرار گرفته است. گزارش گالیندوپول سپس می‌افزاید:

«نماینده ویژه سپس با آقایان اردلان، بهبهانی، منصوریان، سجایی، شاه حسینی و تابنده که نامه سرگشاده آقای بازرگان، نخست وزیر پیشین به رئیس جمهور اسلامی را امضاء کرده بودند، ملاقات کرد. این افراد اظهار داشتند که در ژوئن ۱۹۹۰، حدود ۲۰ روز پس از انتشار نامه سرگشاده، بازداشت شده‌اند، و از آن هنگام در حبس انفرادی به سر برده‌اند، مدتی در زندان توحید (که قبلاً موسوم به زندان کمیته مرکزی بود) و مدتی در زندان اوین، در حالی که برخی از آنها می‌گفتند که اتهامات خود را کتبی دریافت کرده‌اند، برخی اظهار داشتند که بطور غیر مستقیم و از سوالات بازجوها به اتهامات خود پی برده‌اند، به گفته این زندانیان، اتهامات وارده به افراد مختلف است، از جمله «اقدام علیه منافع و حاکمیت ملی»، «شرکت در فعالیت علیه انقلاب و منافع ملی»، «انتشار نامه سرگشاده و انتقال محتوای آن به خارج» و غیره... آقای اردلان، رئیس کمیته اجرایی جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران قاطعانه منکر این گردید که این جمعیت کوشیده است به اکثریت سیاسی حکومت تبدیل شود و یا در فعالیت‌هایی که به هرگونه بتوان آن را جاسوسی نامید، شرکت کرده است... آقای بهبهانی اظهار داشت که نه به نه متهم به جاسوسی شده و نه به چنین جرمی اعتراف کرده است.

او گفت در اظهارات تلویزیونی‌اش در ششم اوت ۱۹۹۰ تنها اذعان داشته که پی برده است موضع سیاسی گروه امضاء کننده نامه در انطباق با سیاست یک قدرت خارجی بوده و بنابراین برخطاست. او همچنین از شرایط زندان اظهار رضایت کرد و گفت رفتار مأموران و متدار فذارضایت بخش است. این اظهارات با اظهارات دیگران که از طولانی شدن مدت حبس انفرادی (در زندان توحید در سلول‌هایی به ابعاد ۳ در ۱/۱۷ متر) شکایت می‌کردند، در تضاد بود... در یک مورد، از ضرب و شتم نام برده شد. بطور کلی اکثر افراد وابسته به این گروه به نظر می‌رسید که تحت فشار سخت قرار دارند. برخی از آنها خواهان مراقبت ویژه پزشکی از خارج از زندان هستند...»

در بند ۲۳۱ گزارش آمده است: «نماینده ویژه همچنین با آقایان امیری بیگوند، آقای و احمدی بیگوند که همه متهم به جاسوسی‌اند دیدار کرد... دو نفر اول تایید کردند که محاکمه و محکوم به اعدام شده‌اند، در حالی که نفر سوم اظهار داشت محاکمه او دو سال پیش انجام گرفته است و او هنوز منتظر ابلاغ حکم است. محاکمه آنها در یک دادگاه انقلاب، بدون کیفرخواست رسمی و وکیل مدافع انجام گرفته است. یکی از آنها گفت محاکمه او تنها ۱۰ دقیقه به طول انجامیده است. دو نفر محکوم شده، در تلویزیون اعتراف کرده و نسبت به حکم صادره تقاضای استیناف کرده‌اند. به آنها پاسخی داده نشده است...»

گزارش پس از تشریح مشاهدات نماینده ویژه در یک محاکمه هادی غیر سیاسی در اوین، به شرح ملاقات با شخصیت‌ها و گروه‌های غیر دولتی می‌پردازد. برخی از این دیدارها با گروه‌های ظاهراً غیردولتی، اما عملاً وابسته به رژیم صورت گرفته است، مانند «سازمان زنان انقلاب اسلامی»، «خانه کارگر» و غیره. بعضی از نمایندگان این گروه‌ها ضمن دفاع از رژیم برای آنکه وانمود کنند صد درصد به رژیم وابسته نیستند، برخی انتقادات جزئی نیز مطرح کرده‌اند.

در بند ۲۵۰ گزارش آمده است: «نماینده ویژه طی اقامت خود در تهران بار دیگر به دیدار آقای مهدی بازرگان، نخستین نخست وزیر دولت موقت انقلابی رفت. در این ملاقات دکتریزدی، وزیر خارجه همان دولت، آقای بازرگان را همراهی میکرد. آقای بازرگان نسبت به دستگیری امضاء کنندگان نامه سرگشاده‌اش به رئیس جمهور همپا ابراز نگرانی کرد و تاکید کرد دهم دستگیری‌ها و هم اظهارات مقامات در طرح اتهامات در ملاهم و به ویژه اتهاماتی مانند جاسوسی، غیر قانونی است. به گفته آقای بازرگان، طرح هلنی اتهامات مغایر با اصل برائت متهمان است. آقای بازرگان خاطر نشان کرد که پس از این دستگیری‌ها چندین نامه به مسئولان و به ویژه رئیس قوه قضائیه ارسال داشته است. او کپی این نامه‌ها را به نماینده ویژه داد و گفت هرگز پاسخی به این نامه‌ها دریافت نکرده است...»

گزارش می‌افزاید: «آقای بازرگان همچنین گفت هیچ یک از افراد دستگیر شده اجازه استفاده از کمک حقوقی نیافته‌اند، تقریباً همگی در حبس انفرادی به سر می‌برند و

تماسهایشان با بستگان و دوستانشان بسیار محدود است...»

بازرگان سپس به طرح شکایاتی مانند جلوگیری عملی از فعالیت «جمعیت دفاع...» و نهضت آزادی پرداخته است. بازرگان همچنین گفته است که حتی نمایندگان مجلس از محدود شدن حق انتقاد خود گلایه کرده‌اند و برخی از آنها از عضویت در مجلس کناره‌گذاشته شده‌اند. گالیندوپول همچنین با آیت الله زنجانی از عدم آزادی بیان انتقاد کرده است. نماینده ویژه همچنین در گزارش خود می‌افزاید که بستگان امیر تعاونی از هواداران مجاهدین از اعدام بدون محاکمه او بدنبال ۱۰ ماه زندان شکایت کرده‌اند. در گزارش آمده است که گفته یک شاهد حدود ۵۰ تن از اعضای سابق مجاهدین را در بند مخفی شماره ۲۵۹ زندان اوین نگهداری می‌کنند. این گزارش می‌افزاید خبر مشابهی از ناحیه یک زندانی سابق اوین رسیده است.

گزارش سفر دوم به ایران

در جریان سفر دوم گالیندوپول نیز مانند سفر اول تعدادی از افرادی که نام آنها به ادعای رژیم در لیست‌های منتشر شده در خارج شامل اعدام شدگان آمده است، به نماینده ویژه مراجعه و اعدام خود را تکذیب کرده‌اند. گالیندوپول در گزارش خود می‌نویسد تعدادی از اسرای جنگی سابق ایرانی به او گفته‌اند که در عراق سازمان مجاهدین قصد جذب آنها به صفوف خود را داشته است. گزارش می‌افزاید: «نماینده ویژه، این موارد را خارج از مأموریت خود می‌داند و بنابراین از نقل گزارش‌های متعدد واصله در چنین مواردی اجتناب میکند...»

گزارش حاکی است از آنجا که بسیاری از شکایت‌نامه‌های واصله به زبان فارسی نبوده، فرصت کافی برای ترجمه آنها وجود نداشته است و این نامه‌ها در گزارش‌های بعدی منعکس خواهد شد.

بخش بعدی گزارش به شرح ملاقات با افراد بهایی و نیز اسقف ارمنه اختصاص دارد. سه نفر بهایی در ملاقات با گالیندوپول گفته‌اند که تضعیفات علیه این اقلیت مذهبی ادامه دارد اما بهبودهایی حاصل شده است. اسقف ارمنه نیز اظهارات مشابهی داشته است.

نتیجه‌گیری

گزارش گالیندوپول در پایان به نتیجه‌گیری از مشاهدات می‌پردازد. گزارش تاکید می‌کند که نتیجه‌گیری نهایی از مشاهدات، بعداً منتشر خواهد شد و جمع‌بندی‌های ارائه شده در گزارش حاضر، هنوز نتیجه نهایی نیست.

گالیندوپول از عدم صدور اجازه دیدار با ۱۰ زندانی سیاسی مورد نظر او و عدم صدور اجازه بازدید از زندان گومر دشت «اظهار تاسف» کرده است. او ضمن بر شمردن موارد شکایات شاهدان می‌نویسد: «به طور کلی، به نظر می‌رسد بسیاری از شاهدان دیدار نماینده ویژه از ایران را یک اقدام اهجاز

گران‌ه می‌دانند و مایلند از آن نتایج جنجالی انتظار داشته باشند... بسیار دشوار است که با یک یا دو سفر، اوضاع بطور معجزه آسا عوض شود... این دیدارها تنها یک مرحله، البته مرحله‌ای مهم و حیاتی در روند بازرسی وضعیت حقوق بشر در یک کشور و دلیلی بر تمایل یک حکومت به همکاری با ارگان‌های مربوطه ملل متحدند...»

در بندهای ۲۷۱ تا ۲۷۴ گزارش آمده است که مقامات حکومت جمهوری اسلامی برای اجرای «توصیه‌های» گزارشهای قبلی گالیندوپول، دست به اقداماتی زده‌اند و از جمله، با دیدار نمایندگان صلیب سرخ از زندان‌ها موافقت کرده‌اند. همچنین مقامات جمهوری اسلامی مدتی است به اتهامات مشخص، پاسخ می‌دهند. گزارش می‌افزاید همکاری دولت جمهوری اسلامی با نماینده ویژه، نزدیک تر شده است.

گزارش گالیندوپول خاطر نشان می‌کند که به تایید مقامات جمهوری اسلامی، هنوز تعداد اعدام‌ها در ایران زیاد است و بیش از حدی است که در منشور بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در شرایط خاص و استثنایی مجاز دانسته شده است. این گزارش می‌افزاید روند محاکمات در جمهوری اسلامی مطابق با معیارهای بین‌المللی نیست و بعنوان نمونه، متهمان از داشتن وکیل محرومند. طبق گزارش گالیندوپول، مشاهدات خود نماینده ویژه در یک محاکمه در اوین، این امر را تایید میکند. گالیندوپول همچنین خاطر نشان میکند که برگزاری محاکمه در زندان، به معنای غیر هلنی بودن محاکمه است. این گزارش می‌افزاید اصل مطلع کردن متهم از هلت دستگیری بلافاصله پس از بازداشت، رعایت نمیشود.

نماینده ویژه در مورد «اهترافات تلویزیونی» می‌نویسد: «اهترافات

تلویزیونی با انتقادات قابل توجهی روبرو شده است و گفته می‌شود این اهترافات از اصالت و رستی برخوردار نیست. با توجه به این شرایط این رسم مطابق با اصول عدالت نیست...»

گزارش گالیندوپول با ذکر نمونه نهضت آزادی و جمعیت دفاع، خاطر نشان می‌کند که برای فعالیت احزاب و سازمان‌ها در ایران امکان فعالیت قانونی وجود ندارد این گزارش همچنین به عدم رعایت حقوق سیاسی و فردی امضاء کنندگان نامه ۹۰ نفره که دستگیر شده‌اند، اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد: «باید اگر نه همه، لاقلاً اغلب این زندانیان را زندانیان هقیدتی و وجدانی دانست...»

گزارش در مورد آزادی مطبوعات خاطر نشان میکند که محدود کردن مطبوعات از نحوه توزیع سهمیه کاغذ آغاز میشود و با اعمال فشار بر روزنامه‌نگاران که کار آنها مطابق با نظرات رسمی نیست، ادامه می‌یابد. گالیندوپول برای مستدل کردن فقدان آزادی بیان در ایران، به گفته حائری زاده نماینده مجلس شورای اسلامی اشاره می‌کند که اظهار داشته است: «من برای بیان آنچه می‌خواهم بگویم امنیت کافی ندارم...»

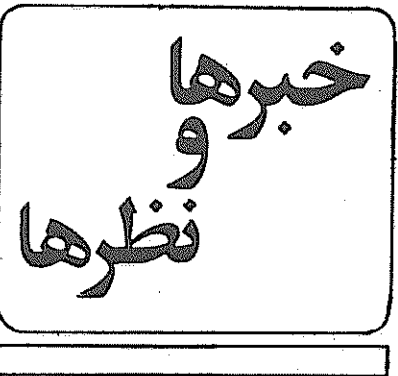
گزارش، نتیجه‌گیری میکند که «نقض حقوق بشر در ایران ادامه دارد...» این گزارش می‌افزاید: «کمیت و تنوع بسیار گزارش‌ها و شکایات واصله از منابع بسیار متفاوت، حتی اگر این را بپذیریم که شامل خطاها و اقراک‌ها باشد، مبنای قابل قبولی برای این حکم به دست می‌دهد که در این کشور، موارد نقض حقوق بشر بسیار است و اقدام حکومت برای کاستن از این امر برای پایان دادن به آنها کافی نبوده است... هم سودمند و هم ضروری است که نظارت بین‌المللی ارگان‌های مربوطه ملل متحد با هدف تامین مطابقت با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران ادامه یابد...»

راهپیمایی بمناسبت ۱۰ دسامبر

روز جهانی حقوق بشر در سوئد

عصر روز ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، در شهر اوربرو سوئد برای دفاع از حقوق بشر در سراسر دنیا یک راهپیمایی با مشعل صورت پذیرفت. این راهپیمایی به ابتکار «سازمان هفو بین‌الملل» و با حمایت احزاب سیاسی سوئد انجام شد. راهپیمایان با خواندن سرودها و آوازهایی در دفاع از حقوق انسانی از خیابان‌های شهر عبور کرده و در میدان پالمه شهر اوربرو تجمع کردند و سخنرانی‌هایی از طرف دبیرکل سازمان هفو بین‌الملل در سوئد (این سازمان دارای ده‌ها هزار عضو در سوئد است) و یکی از مسؤولان سازمان دفاع از کودکان ایراد شد. دبیرکل سازمان هفو بین‌الملل در سوئد به افشای جنایات رژیم‌های دیکتاتوری جهان علیه آزادیخواهان و دگراندیشان پرداخت و بخش مهمی از سخنانش را به وضعیت حقوق بشر در ایران اختصاص داد. وی گفت: «بیش از ۵۰۰۰ زندانی سیاسی دگراندیش از سال ۸۵ تاکنون اعدام شده‌اند، بدون داشتن حق وکیل و دادگاهی عادلانه. در تابستان سال ۸۸ هزاران نفر توسط «کمیسیون مرگ» اعدام شدند در گورهای دسته‌جمعی دفن شده‌اند. مسؤل «سازمان دفاع از حق کودکان» به فلاکت و وضعیت وحشتناک میلیون‌ها کودک و نوجوان دنیا پرداخت و ضرورت توجه بیشتر همومی به این مساله را مورد تاکید قرار داد.

در این راهپیمایی شرکت و فعالیت افشاگرانه رفقای فعال ما در منطقه چشمگیر بود. صد‌ها اعلامیه بزبان سوئدی در جمع راهپیمایان و مردم رهگذر پخش شد. این اعلامیه توسط کمیته همستگی (متشکل از فدائیان خلق (۱۶ آذر)، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب دموکرتیک مردم ایران، کانون سیاسی-فرهنگی خلق ترمن و فدائیان خلق (اکثریت)) تهیه شده بود. در این اعلامیه به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال مردم ایران پرداخته شده و از رژیم سوئد خواسته شده بود که شرط توسعه و گسترش روابط با جمهوری اسلامی را احترام به حقوق بشر از طرف این رژیم قرار دهد.



کنگره فوق العاده

سازمان فدایی - ایران

در اوائل آذرماه سال جاری سازمان فدائی کنگره فوق العاده خود را برگزار کرد. بنابه گزارش اجمالی کنگره منتشره در نشریه اتحاد کار موضوعات زیر در دستور کار این اجلاس قرار داشت:

۱- تکمیل اساسنامه سازمان ۲- جمعبندی سیاست های ائتلافی و اتحادیه های مبارزاتی در جنبش کمونیستی ایران ۳- قطعنامه در باره ضرورت اصلاح و تکمیل برنامه ۴- گزارش سیاسی ۵- بررسی نقد عملکرد گذشته دوسازمان فدائیان خلق ایران و آزادی کار ایران ۶- نقد و ارزیابی از عملکرد سازمان فدائی از کنگره و حدت تا کنگره فوق العاده ۷- انتخاب کمیته مرکزی.

در رابطه با مباحث اساسنامه ای تصویب شد که نام کامل این سازمان از این پس سازمان فدایی - ایران باشد همچنین تصویب شد که "مقالات ارگان مرکزی سازمان در صورت تمایل نویسنده یا هیئت تحریریه با امضاء فردی منتشر میشود. این مقالات نبایدست مغایر مواضع سازمان باشد."

در رابطه با جنبش کمونیستی و سیاست های ائتلافی قطعنامه ای به تصویب رسید که در آن آمده است:

"مشی ما در جهت همگرایی جنبش کمونیستی را میتوان به شکل زیر فرموله کرد:

الف - سمتگیری در جهت وحدت با جریانات مارکسیست-لنینیست براساس برنامه و اساسنامه سازمان، روشن است دستیابی به امر وحدت بدون

نشریه کیهان لندن در ماه های اخیر مقالات، متعددی در رابطه با ضرورت یا عدم ضرورت ائتلاف نیروهای سلطنت با دیگر نیروهای اپوزیسیون رژیم درج نموده است. در این مجموعه مقالات هلیرفم استدلالهای متفاوت دو زاویه نظری کاملاً مغایر هم به چشم می خورد. در برخی از این مقالات نیروهای جمهوریخواه بالاخص نیروهای چپ به اشکال مختلف تحت عنوان نیروهای غیرمؤثر، نیروهایی که مسبب شرایط کنونی هستند... مورد حمله قرار گرفته اند و در جوار آن از عملکرد رژیم گذشته در قبال سایر نیروها دفاع شده و یا تنها دارای ایرادهای فرعی ارزیابی شده است. در برخی دیگر جنبه هایی از نظرات فوق رد شده و مورد انتقاد واقع شده است. در این سری مقالات در همین حال نیروهای چپ به این دلیل که همکاری با نیروهای مدافع سلطنت را نمی پذیرند مورد انتقاد قرار می گیرند. ما در اینجا بخشهایی از دو مقاله با امضاء کتانه سلطانی و دیگری به نام آقای حسن کیانزاد که دو سمت گیری فوق را منعکس میکنند درج مینماییم:

در مقاله با امضاء کتانه سلطانی تحت عنوان اتحاد نیروهای مؤثر، نه چپ و راست ناگرا آمده است:

"مسئله اتحاد یا ائتلاف نیروهای سیاسی ایرانی در خارج از کشور مدتهاست که جای هر تلاش و کوشش دیگری را در اپوزیسیون گرفته است. بحث های مربوط به نزدیک ساختن عقاید و سلیقه های متفاوت سیاسی در جامعه ایران و یافتن نکات مشترکی که بتواند یک مبارزه هماهنگ و همسو را قدرت و تاثیر بخشد و اصطکاک های درونی مخالفان جمهوری اسلامی را بکاهد با وجود ابراز پاره های امیدواری ها، هیچ نتیجه ای ببار نیاورده یا اگر آورده این نتایج چنان نحیف و نامحسوس است که هیچ کس نتیجه آن را نمی بیند."

خلاف سیاسی روز افزون در مبارزات با رژیم جمهوری اسلامی و در نتیجه موقوف شدن سرنگونی یا دگرگونی بنیادی حکومت اسلامی به عواملی غیر از تلاش و طرح ریزی مخالفان پدیده ای نیست که بتوان آن را پنجاه و یا برایش توجیهی تراشید. اما تاسف آور آن است که این خلا تا حدی بسیار ناشی از دل بستن به اتحادها و ائتلاف های خیالی و ناممکن و در هر حال کم اثر است. توسل به این گفتگوها و

مبارزه ایدئولوژیک از طرفی و داشتن پراتیک فعال از طرف دیگر آنهم در درازمدت، میسر نیست. در شرایط کنونی سمت اصلی مبارزه ایدئولوژیک میبایست متوجه انحراف عمده که همانا سوسیال دمکراسی است شود. در عین حال ضروری است با انحراف دکماتستی و استالینیستی ریشه دار در جنبش کمونیستی قاطعانه مبارزه شود.

در همین راستا بمنظور پاسخگویی مشترک به گروه های سیاسی - تئوریک و در جهت همگرایی کمونیستها و نهایتاً غلبه بر پراکندگی موجود در جنبش چپ انقلابی، ضروری است مباحثات ایدئولوژیک سیاسی بین نیروهای چپ انقلابی سازمان داده شود. در شرایط کنونی همکاری مشترک سازمان فدایی با سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (شورای عالی) و شخصیت های چپ انقلابی در خدمت هدف فوق بوده و از اهمیت اساسی برخوردار است.

ب - تلاش برای ائتلاف جبهه ای با جریاناتی که در چارچوب خطوط اصلی برنامه جبهه دمکراتیک - ضدامپریالیستی مصوبه کنگره سازمان قرار دارند.

ج - اتحاد عمل با کلیه جریانات مترقی بر سر مطالبات فوری سیاسی و اقتصادی - اجتماعی نقطه فزیمت ما در اتحاد عمل ها، گسترش مبارزه در پراتیک سیاسی علیه ارتجاع بوده و طبعاً اتحاد عمل با جریانات فوق الذکر (الف و ب) از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و متمدند اند."

و در ادامه تصویب شده است که همسوئی سیاسی، تقویت نیروی سرنگونی و طرد سلطنت، مناسبات دمکراتیک، توان نیروها و تاکتیک های مؤثر از عواملی هستند که در تقدم انتخاب متحدین ملاک خواهد بود.

در رابطه با برنامه کنگره تصویب کرد که میبایست برنامه در پرتو واقعیات و تجربیات ملی و بین المللی قنی شده و به شیوه ای نوین به تحریر و آید و کمیته مرکزی را موظف نمود که مجموعه اصلاحات و پیشنهادات جدید را تهیه و تدوین کرده و برای تصمیم گیری به کنگره آتی سازمان ارائه دهد. کنگره چارچوب سند پیشنهادی هیات اجرایی تحت عنوان تروهای درباره اوضاع کنونی را تأیید نمود و تکمیل آنرا به کمیته مرکزی منتخب واگذار کرد. در این سند راجع به وضع منطقه، موقعیت رژیم جمهوری اسلامی و جناح بندی های آن و سیاست های رژیم اظهار نظر گردیده است. کنگره در پایان کمیته مرکزی این سازمان را انتخاب نمود.

کیهان لندن و بحث اتحاد و ائتلاف

افتادن نیروهای ملی به دام سنسپله های چپ ایرانی (که چهل سال است ادامه دارد و نیروهای ملت ایران را بسیار فرسوده است) باعث شده که اکثر جوانان پر شور، زنان دلاور و دیگر گروه های زخم خورده و آسیب دیده از انقلاب که هنوز احساسات و آرمان ملی را حفظ کرده اند، از متن مبارزات حذف شوند و جای آنان را گروه کوچکی کهنه کاران و حرفه ای های سیاست و (بار دیگر) روشنفکران پرگویی بگیرند که در تاریخ معاصر ایران همواره شعار داده اند ما به زبان مصالح ملی و هموطنان خود عمل کرده اند.

.....

"مناصر عمده مباحث مربوط به اتحاد و ائتلاف چپ و راست، سلطنت طلبان، جمهوری خواهان لیبرال و کمونیست ها بوده اند، اما این عناصر بنا به تعریف اساساً قابل مقایسه نیستند چه رسد به قابل ترکیب و اتحاد.

اعتقاد به ترجیح رژیم سلطنتی بر جمهوری برای اداره ایران یک ایدئولوژی سیاسی نیست، اما اعتقاد به سوسیالیسم یا کمونیسم هست. ابراز هلاک به آزادی یا دمکراسی یک تعهد سیاسی نیست اما اعتقاد به فدرالیسم یا استقلال بخشی از خاک کشور تعهد به یک برنامه سیاسی است. مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی یک موضع گیری سیاسی نیست، اما مخالفت در عین اعتقاد به قانون اساسی ولایت فقیه (همچون دارو دسته مهندس بازرگان) هست. مشکل بزرگ اپوزیسیون ایران خارج از کشور آن است که می کوشد میان این پدیده های بکلی متفاوت و ناهمخوان، اولاً گفتگو و سپس اتحاد به وجود آورد.

یک سلطنت طلب می تواند معتقد به سرمایه داری آزاد، اقتصاد لیبرال، نظام اقتصادی سوسیالیستی یا حتی اقتصاد اسلامی باشد. میان یک سلطنت طلب معتقد به سرمایه داری آزاد با سلطنت طلب سوسیالیست بر سر اقتصاد همان قدر اختلاف است که میان او و یک جمهوریخواه سوسیالیست ...

امروز می بینم که شاه می کوشد با جمهوری خواهان و چپ های ایران به توافق یا اتحاد بر سر مبارزه با رژیم برسد، اما موفق نمی شود. زیرا او در مورد مسائل با مخالفان خود و مخالفان سلطنت گفت و گو می کند که با گفت و گو حل شدنی نیست. این بحث های سترون و بی پایان اتحاد و ائتلاف میان چپ و راست و آزادیخواه و کمونیست را باید

در تأیید و یار د فدرالیسم

حال شدن است.

درگذر تاریخ، تیره ها، قبیله ها، ایالت ها، حاکم نشین ها، امیر نشین ها، شاه نشین ها به اجبار یا به اختیار بهم آمیخته اند در هم ادغام شده اند، بخشی از قدرت حاکمیت خود را به سود ساختن حاکمیت سراسری از دست داده اند. در آنها گام بگام در راستای شکل گیری ملت و قوام فرهنگ همگانی و کشور شدن نشان قدرت حاکمیت های محلی کم و کمتر شده است و توان حاکمیت سراسری افزونی یافته است تا جایی که چنان پیوستگی ببار آمده که جداسری منطقه ها ناممکن شده است."

وی سپس به تشریح ساختار حکومتی ایران در دوره های مختلف پرداخته و رابطه اقوام مختلف آریائی را بعنوان اشکالی از فدرالیسم و ضرورت های آن در هر دوره را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری کرده در طی صدها سال حاکمیت های فدرال این مرحله در حیات ملت ایران پشت سر گذاشته شده و بازگشت به حاکمیت های فدرالی یک عقب گرد تاریخی است. وی مینویسد:

"حاکمیت قدرت ناشی از استقلال دولت است که به آزادی بر سراسر سرزمین و ساکنانش اعمال میشود. برقراری نظم داخلی، دفاع از مرزها و روابط با دیگر کشورها از این قدرت است.

قدرت حاکمیت همه ساکنان سرزمین را بی هیچ استثنا دربر میگیرد و بر همه خشکی ها و آب هایش حکمرواست وظیفه دولت اعمال حاکمیت است. نارسایی یا ترک هر یک از وظایف حاکمیت سبب زوال آنست. حکومتی که نتواند نظم داخلی را برقرار کند یا از مرزهایش دفاع کند فرو میپاشد.

اما اعمال حاکمیت همه کار دولت ها نیست. آنها وظایف دیگری هم دارند که با وظایف حاکمیت یکسان و از یک ریشه نیستند و همه شهروندان را دربر نمیگیرد و در همه جای کشور یکسان اجرا نمیشود... مانند پیشگیری از بیماری های واگیر، ساختن بیمارستان و فسالخانه، راه سازی، ساختن سد، ایجاد صنایع گران قیمت یا کم سود اما با اهمیت، بهره برداری از معادن بزرگ و... این گونه کارها را وظیفه تصدی دولت ها میخوانند.

بر این اساس هر ایرانی بر هر سنگ و کاخ ایران و بر هر قطره آب رودها و دریاها به نسبت یک سهم از پنجاه و شش میلیون سهم ایرانیان حق دارد. هر تیریزی بر زاینده رود همانقدر حق دارد که هر اصفهانی بر بزم مانده ارک تبریز.

چون حاکمیت حق مشاع همه مردم کشور است و غیر قابل تفکیک و انحلال، اگر همه مردم سقز یا اصفهان بی هیچ استثنا صد درصد رای دهند که می خواهند سقز یا اصفهان جز کشور دیگری شود رایشان باطل است و ناپذیرفتنی چرا که همه مردم ایران بر سقز یا اصفهان حق دارند و اهالی آن دو شهر نمیتوانند حق حاکمیت دیگر ایرانیان را حتی با رای آزاد خود نفی کنند، اما اعمال تصدی چنین نیست.

آنچه قابل تقسیم است وظایف تصدی دولت هاست و با تقسیم آن کارها بهتر انجام میشود. حدود و نفوذ تفکیک وظایف حاکمیت و اعمال تصدی را مجلس موسسان هر کشور تعیین میکند و باتوجه به ساخت تباری و اهمیت منطقه ها در ایران مصلحت آنست که ایران از دو مجلس، مجلس ملی (منتخب همه ایرانیان) و مجلس استان ها (برگزیدگان استان ها به تساوی) برخوردار باشد و در مواردی اجلاس مشترک دو مجلس که مجلس بزرگ ملی میتواند نامیده شود به حل و عقد امور بپردازد. آنچه را که در حوزه تصدی دولت است در سازماندهی کشوری میتوان به بخش ها و منطقه ها وا گذاشت."

مجاهدت های شبانه روزی برخی از نو و کهنه کاران و روشنفکران دلسوز و متحول شده سیاسی به تفاهم و دوستی و همگرایی داده است.

اما آن جوانان پر شور، زنان دلاور و گروه های زخم خورده از انقلابی که شما از آنها سخن بمیان آورده و میگوئید به سبب دل بستن به اتحاد و ائتلاف های خیالی و ناممکن از متن مبارزه حذف شده و جای آنان را گروه کوچکی از کهنه کاران و حرفه ای های سیاست و بار دیگر روشنفکران پرگوئی گرفته اند که در تاریخ معاصر ایران همیشه شعار داده اند و به زبان مصالح ملی و هموطنان خود عمل کرده اند. اگر شما خود در متن کنش های سیاسی روز و کوشندگان دلسوز اپوزیسیون قرار گرفته بودید، به درستی پی میبردید که اگر در تاریخ دهساله اخیر مبارزات سیاسی اپوزیسیون و بویژه در یک سال گذشته تکان و حرکتی و شور و شوقی آشکار گشته است، بیشتر بستگی به همت و مجاهدت همین سازمان ها و گروه ها و یا به زعم شما گروهک های سیاسی داشته است که شما آنان را امروز این چنین مورد تهاجم و زخم زبان قرار داده اید.

چگونگی حل مساله ملی از دیرباز از مباحث جدی نیروهای سیاسی ایران بوده است. این امر در دوره های مختلف از زاویه های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. با ارائه طرح فدرالیسم و جمهوری فدراتیو توسط برخی سازمانهای سیاسی منجمه سازمان ما برداشت از فدرالیسم و رد و یا تأیید آن از مباحث روز نیروهای سیاسی ایران شده است. ما در اینجا دو مقاله در دفاع و رد فدرالیسم در ایران را درج میکنیم:

آقای پرویز دستمالچی در نشریه جمهوری خواهان ملی ایران در دفاع از جمهوری فدراتیو مینویسد:

"در نظام جمهوری ساختمان دولت بر اساس تقسیم قوا استوار است. با الهام از ایده های جان لاک و منتسکیو قوای مملکت به سه جز تقسیم میشوند. اما صرف پذیرش صوری این سه قوا در یک مملکت ابداً به معنای وجود ساختمان دمکراتیک حکومتی نیست.

هدف اساسی از تقسیم قوا عبارت است از ایجاد تعادل و محدود کردن قوای دولتی، تقسیم قدرت به ارگان های مختلف و کنترل متقابل این ارگان ها توسط یکدیگر. در یک کلام تقسیم افقی قدرت و کنترل متقابل شرایطی بوجود میآورد که از تمرکز قدرت و سوء استفاده از آن توسط یک فرد یا یک گروه پیشگیری می کند.

عنصر دیگر تقسیم قوا نظام فدرالیسم است. نظام فدرالیسم یعنی تقسیم عمودی قدرت. نظام فدرالیسم در برابر سنترالیزم قرار دارد. در چنین نظامی وظایف دولت مرکزی صرفاً محدود به وظایفی میگردد که باید آتراً بگونه مرکزی انجام داد (مانند ارتش، سیاست خارجی و...) در نظام جمهوری فدراتیو هر یک از ولایت ها مجلس محلی خود را دارند و بر اساس تقسیم قوای سه گانه مملکت کار میکنند. این تقسیم عمودی قدرت تا پائین ترین سطح تقسیمات اداری کشور بر اساس ضرورت ها و نیازها ادامه خواهد یافت. نظام فدراتیو از یک طرف دامنه دمکراسی را گسترش میدهد و از طرف دیگر از طریق عدم تمرکز قدرت در یک محل و تقسیم آن به مناطق گوناگون و در دست افراد و سازمان های سیاسی متفاوت از سوء استفاده احتمالی از قدرت جلوگیری به عمل میآورد.

نیروهای ملی و خواهان دمکراسی باید همواره در جهت تقسیم قدرت، محدود کردن حوزه فعالیت آن، تا سر حد امکان و کنترل دمکراتیک قدرت به منظور جلوگیری از سوء استفاده از آن حرکت کنند."

آقای مهرداد ارفع زاده در مقاله ای تحت عنوان "آشفته پنداری سیاسی و تمامیت ارضی" در نشریه "کیهان چاپ لندن در انتقاد از طرح فدرالیسم و مغایر بودن آن با تلاش در راه حفظ تمامیت ارضی ایران مینویسد:

"آیا فدرالیسم مقدمه حاکمیت ملی و مردمی است یا موخره آن؟ آیا فدرالیسم برای ما واپسگرایی و ارتجاع نیست؟ شکل های کنفدراسیون، فدراسیون و دولت های فدرال همزیستی و همسازی حاکمیت های مستقل از هم است برای ایجاد حاکمیت بزرگتر در گستره ای وسیعتر.

گاه چند ایالت یا چند "دولت شهر" که هر یک در محدوده چیرگی خود دارای حاکمیت اند و گاه چند دولت مستقل که هر یک از حاکمیت یعنی برترین قدرت تصمیم گیری و اجرا برخوردارند بمیل و یا به زور با یکدیگر کنار میآیند و بخشی از قدرت حاکمیت خود را به سود ایجاد حاکمیت گسترده تر ه می کنند و دولت فدرال یا متحد میسازند. نوع اول مانند آمریکای شمالی و آلمان و سوئیس است و نوع دیگر مانند جمهوری متحده عربی (مصر و سوریه که برآمد و فرو ریخت) و آنچه امروز در جامعه اروپائی در

کنار گذاشت، تنها اتحاد کار ساز، اتحاد نیروهای مؤثر و مفید است. آنان که با حمایت بخشهای بزرگ جامعه ایرانی را دارند، یا نیروی ابتکار یا امکانات وارد آوردن ضربه های مؤثر به جمهوری اسلامی و انقلاب کذابی را، اینکه سلطنت طلب باشند یا جمهوریخواه، چندان اهمیتی ندارد. بهترین و گسترده ترین اتحاد عناصر بی کفایت و بی خاصیت چپ و راست به پیشروی نمی آرد.

در پاسخ به مقاله فوق مقاله ای با عنوان "خانم کتانه سلطانی بیائید آب را به گل آلوده نکنیم" به قلم آقای حسن کیانزاد درج گردیده است. در بخشی از این مقاله آمده است:

"فاز و ادامه پیگیر بحث ها و گفت و شنودهای سیاسی ماههای اخیر هیچگونه سد و مانعی برای مبارزین راستین و پرتلاش بوجود نیاورده است، بلکه اگر به کار نامه کوشش های سیاسی دهسال گذشته اپوزیسیون بنگریم در میابیم که آن خلا سیاسی روز افزون که شما بدستی از آن نام برده اید و آن نگرش های دشمن گرایانه و خود بزرگ بینی های درون گروهی گذشته، امروز جای خود را در اثر

می گفتند پیش از شروع مسابقه، تختی با رئیس فدراسیون حرفش شده بوده. نامردها حالش را گرفته بودند. رودوشک که آمده، دماغ بوده، میلی به کشتی گرفتن نداشت. ترکه بارها از تختی خورده بود، آن دفعه هم نمی توانست او را ببرد. خلاصه روزی که برمی گشتند، دوربین فیلمبرداری را برداشتم و با جواد رفتم فرودگاه. هنگامه بود.

تو هم رفته بودی؟ راست می گویی؟ نمی دانستم. دیدی چه جمعیتی آمده بود؟ هزارها نفر. دریای مردم. هیچوقت سابقه نداشت این همه آدم به استقبال کسی بروند. دلم می خواست فیلم خوبی ازش بگیرم اما جمعیت مگر می گذاشت، محشر کبرا بود. تنه می خوردم و به این وروآن و پرت می شدم. دوربین کج و راست می شد. اختیاریش از دستم می رفت. خلاصه چطور بگویم، از آسمان و درخت و مردم فیلم می گرفتم؛ نه از تختی؛ تا میزان می کردم ته می خوردم و دوربین جهش عوض می شد. عجب جمعیتی، عجب جمعیتی. هیچ کاری نمی شد کرد.

داشت گریه ام می گرفت. درمانده بودم که چکار کنم. حین

می آمد که از آن موقعیت فیلسی نداشته باشم: تختی میان دریای مردم... عاقبت جواد و وقای کشتی گیرش به دادم رسیدند. با کمک آن ها خودم را به ماشین تختی رساندم. تختی رومندلی جلو کنار راننده نشسته بود. قیافه اش غصه دار بود. نت کردم و یک کلوزآپ ازش گرفتم، دوباره میزان کردم اما جمعیت من را از جا کند و متراژ بهم خورد، فلوئیدش دویدم. جلوماشین وزوم کردم و روموشش، مردم هجوم آوردند، جهت عوض شد. زوم بک کردم که پیداش کنم، ماشین رفته بود و جمعیت داشت دنبالش می دوید...

با کمال میل، هر وقت خواستی بیا و ببین. فیلم شلوشی شده، اما به دیدنش می ارزد. می دانی وقتی ظاهرش کردم، خنده ام گرفت. مثلاً خواست بودم از ورود تختی فیلم بگیرم، چیزی که در نیامده بود، همین بود. فیلم مردم شده بود، انبوه پیروچوان که از سروکول هم بالا می رفتند و دنبال ماشین کشیده می شدند. حتی رودرخت ها و پشت بام ها هم که دوربین گرفته بود، جوان ها نشسته بودند.

کلوزآپی که ازش گرفته بودم، خوب از آب در نیامده بود. باورکن اصلاً دلم نمی خواست بهش نشان بدهم اما جواد، ناکس بند را آب داد. یک روز سرزده با تختی آمدند خانه ما. خواستم مظهر بروم اما از روموشان خجالت کشیدم. اتاق را تارک کردیم و فیلم را نشان دادم.

نه، اصلاً هیچ حرفی نزد. تمام مدب ساکت ماند. یک کلمه هم حرف نزد. خاموش نشست و از اول تا آخر فیلم را تماشا کرد. فیلم که تمام شد، چراغ را روشن کردم. هیچوقت قیافه اش را فراموش نمی کنم، هیچوقت. سرش خم شده بود و نگاهش به کف اتاق خیره مانده بود. صورتش از عرق خیس بود. هوا آتندرها گرم نبود.

وقتی سرش را بلند کرد و دید نگاهش می کنم، لبخند زد. عرق های صورتش را پاک کرد و با چشم های نم زده و برق افتاده گفت:

«این همه برای دیدن من آمده بودن؟ من که کاری نکرده بودم!»

تاسان ۱۳۵۸

به مناسبت هفدهم دیماه روز شهادت تختی

تختی پهلوانی برای همیشه

ندیده بودم، این جور خوشحال. یک وقت دیدم من هم افتاده ام به دست زدن و دم گرفتن. پسر، غرق شده بودم. باور می کنی؟

آره، حیف شد، خیلی حیف شد. کاش دوربین فیلمبرداریم را برده بودم و از شان فیلم می گرفتم. آن شب نشد، نشد ببینش. مگر ممکن بود. مردم ریخته بودند پایین، اگر درش نبرده بودند، پهلوان صدمه می دید. مردم دوستی دوستی بلایی سرش می آوردند: عکس هایی که ازش گرفتم، مایه دوستی ما شد. بجز یکیشان، همان که گفتم سابقه را برده، بقیه زیاد چنگی به دل نمی زد. چندتا از را دادم روزنامه ها چاپ کردند، باقیش را دوشک، رودوش مردم، میان مردم، بچگی های پهلوان، دیدنی است. همین چند وقت پیش بابایی پیدا شده بود که پول خوبی پاش می داد.

یک روز با جواد رفتم اردو به دیدنش. پهلوان عکس های تو روزنامه ها را پسندیده بود، کلی تحویلان گرفت. از جا بلند شد و صورت را بوسید. صفای بچه ها را داشت، ساده، پرمهر و محبت. خواستم ازش باز هم عکس بگیرم، خواهش کرد اول از بر رویه ها بگیرم. بچه های کشتی گیر، دوم جمع شدند. هر کدام جلو دوربین یک جور قیافه گرفتند. عکس هاشان را هنوز دارم. خنده دار شده اند. تختی همانطور ساده نشست، نه قیافه گرفت، نه حالت صورتش عوض شد؛ پهلوانی توصیفش بود.

آه، گل گفتی، خودش است: صولت پهلوانی، همان چیزی که قدیمی ها می گفتند. صورت نجیبش صولت پهلوانی داشت، عین پهلوان های قدیمی. بعدها همه کشتی هاش را دیدم. از همه شان عکس گرفتم، عکس های بدی از آب در نیامده، یکی دوتا ش معرکه شده. اصلاً می دانی، بعد از آن شب، به کشتی علاقمند شدم. هنوز هم هر وقت مسابقه است، هر کاری دارم دل می کنم و می روم تماشا. اما کشتی های تختی چیز دیگری بود.

آره، این ها که برایت تعریف کردم همه اش خاطره است دیگر، اما یک چیزی ازش یادم مانده که محال است فراموش کنم. حرف تو حرف آمد و اصل کاری فراموش شد. باور کن هنوز هم قیافه آن روزش پیش چشم مانده.

المبیک رم که یاد هست؟ کشتی گیرهای ایرانی همه خجست کردند، تختی هم به عصمت اتلی باخت و مدال نقره گرفت. بعدها شنیدم حقش را خورده اند، کشتی گیر ترک همه اش در می رفته، مسگری می کرده. تو یک غافلگیری یکبار تختی را خاک می کنی. آنوقت هم

بودند. من هم سر یک سینما با جواد شرط بستم! تختی آمد رودوشک. دستش را جیلو داور نگاه داشت و ناخن هاش را نشان داد. پاش را بلند کرد که داور کف کفکش را ببیند، با چه حجب و حیایی، مثل بچه مدرسه ای ها.

چه دستی برایش زدند، چه دستی؛ انگار تنگتر می زد به شیروانی ها، انگار هوا طوفانی شده بود و باد غوغا می کرد.

کاملاً درست است، اینطور نیست که هر کی هنوز نیامده، خودش را تودل مردم جا کند. سال ها باید امتحان پس بدهد، سال ها. داداش، این مردم خیلی بد گمانند. آخر نه این است که به هر کی دل خوش کردند، رو سر آن ها پا گذاشت و بالا رفت و خودش را به بالایی ها فروخت. تختی به آن ها امتحان پس داده بود. برای همین اینقدر دوستش داشتند و برایش سرودست می شکستند. وقتی راه افتاد برای زلزله زده ها پول جمع کند، دیدی چه غوغایی به پا شد، دیدی؟ همین، دستگاه را می ترساند. همین، برایشان مسأله شده بود: قهرمان می خواهی چه کنی؟ قهرمان که نان و آب برایت نمی آورد که دنبالش بدی و خودت را فدایش کنی. مملکت یک قهرمان دارد، یک صاحب، یک...

آره... کجا بودم؟ داشتم می گفتم کشتی گیر شوروی که آمد رودوشک، جوانک بلند شد و فریاد زد:

«حسابش بر سر پهلوان»

تختی برگشت. نگاهش کرد و خندید. آرام بود، مثل یک کوه میان دوشک ایستاده بود. چه هیبتی، انگار دارد با بچه ای بازی می کند، حمله های کشتی گیر شوروی را دفع می کرد. روزه یکبار چه حرکت بود، می خرنجید، جلومی آمد، عقب می رفت و حمله می کرد. چریش بیشتری از خود نشان می داد. از آن هیکل، این جنبش و حرکت، عجیب بود. یکبار هم موفق شد تختی را نیم تیغ کند و دو امتیاز بگیرد و جلو نیفتد. پیرمردی که کنار من نشسته بود، به دعا افتاد. باور کن انگار برای پسرش دعا می کرد:

«خندایا پهلوان مارو از میدون سربلند بیرون بیار، بیار العالمین»

مردم خاموش شده بودند، انگار مرده بودند. هذا از هیچکس بلند

نبرد. باور می کنی؟ دل من هم به شور افتاده بود. «بازو!»

یک دفعه از اینکه خودم را به جای تختی بگذارم، لرزیدم. اگر

می باخت جواب این مردم را چه می داد؟

«پهلوان حسابش بر سر»

فریاد جوانک دوباره بلند شد. صداش می لرزید.

هر چه می خواهی بگویی بگو! ایران دوستی... عرق ملی من گل

کرده بود؟ تو فکر مردم بودم که پهلوانشان داشت شکست می خورد؟ یا...

درست نمی دانم. در آن لحظه دلم می خواست تختی برنده بشود. باور کن اگر نه دعا اعتقاد داشتم، مثل پیرمرد دست به دعا برمی داشتم. در همان حال دوربین را سر دست گرفته بودم و منتظر بودم، انگار به دلم برات شده بود. تختی یک خم روس را گرفت و بلند کرد. روزه که به خاک رفت، فریاد مردم بلند شد. دوباره زنده شده بودند. عجیب بود. به هر کی نگاه می کردی، لبخند گل و گشادی رو لب هاش افتاده بود. قیافه ها باز شده بود. مردم خیره شده بودند به دوشک. تختی پاش را مثل کاردی که توپنیر فرو کند، میان پاهای روزه کرد و سنگ نشست و کنده او را بالا آورد. عکس از شان گرفتم.

آره داداش، حالا معنی این اصطلاح ها را خوب می دانم از پس رفتن کشتی تماشا کردم. اما آن شب، پیرمرد برایم توضیح می داد، تند و تند: خاک چیه، سبک چیه، کنده چیه.

پیرمرد خوبی بود. می گفت عاشق کشتی است و همه کشتی گیرها را می شناسد. از کشتی گیرهای قدیمی حرف می زد و از جوانسردی هاشان، از نامردی هاشان، اما می گفت تختی و رای همه آن هاست، مثل تختی هنوز نیامده، می گفت یکبار خواسته دست تختی را ببوسد، تختی خم شده صورت او را بوسیده. میدان را از دست جواد گرفته

بود و می برابم توضیح می داد. می گفت حالا باید تختی کنده روزه را بالا بیاورد، دیدم کپل کنده روزه بالا آمد، می گفت:

«به روح قرآن الا نه که روزه بره به بل»

دوربین را میزان کردم و دیدم با همه تقلاهایی که روزه می کرد، به پل رفت. عکس جانانه ای از شان گرفتم، همان عکسی که تومسابقه عکاسی برنده شد.

آره، پیرمرد هم می گفت. عجب شگردی. می گفت سبک تختی مثل گازانبر برقی است، کسی که گرفتارش شد، کارش تمام است. یک دفعه دیدم جوانک از جا پرید:

«ضربه... ضربه... لا مسب»

پیرمرد هم تکان خورد:

«به روح قرآن ضربه شده... ضربه»

داور سوتی زد و دوشک خوابید و نگاه کرد. همه خاموش شده بودند. داور سوتی دوباره با دستش به دوشک زد و سوت کشید. ورزشگاه ترکید. مردم از جا بلند شدند. کشتی گیر شوروی از رودوشک بلند شد. پیل پیل می رفت. با چشم های ریزش به تختی نگاه می کرد. تختی صورت او را بوسید، انگار می خواست از او معذرت بخواهد، خجالت می کشد که او را زمین زده.

ورزشگاه به تکان آمده بود. همه فریاد می زدند. عده ای دست می زدند و عده ای می رقصیدند. دم گرفته بودند و آواز می خواندند. زن ها هلهله شان را سر داده بودند. ورزشگاه شده بود یکبارچه فریاد شادی. ای کاش بودی و می دیدی مردم چه می کردند. هیچوقت آن ها را این جور

روز ۱۷ دی (هفتم ژانویه)
سالروز شهادت جهان پهلوان
تختی و روز ورزش است. در
سالروز این قهرمان مردمی و
برای بزرگداشت وی داستان
پهلوان از جمال میر صادقی را از
کتاب "پیشه ها" برای چاپ
برگزیده ایم.

پهلوان

قربان دهنت. درست گفتی. با کشتش، بزرگترش کردند. هر که سر راهشان قرار می گیرد، از میان ورش می دارند، بعد که گند قضیه درمی آید، به دست و پا می افتند و می خواهند رف و رجوعش کنند. دیدی چه داستان های مسخره ای برایش چاپ زدند؟ کی گوشش به آنها بدهکار بود. دست خودشان را بیشتر رومی کردند، بیشتر خودشان را لومی دادند. غافل از این بودند که قهرمان کسی به نمشان تمام نمی شود: مرعوبشان کن، ساکشان کن، کوچکشان کن، بخرشان؛ اگر نتیجه ای نگرتی، خب بی سرو صدا سرشان را زیر آب کن. تختی را افسانه کردند، هر قهرمانی را کشتند، افسانه شد، روزه مثل، گل سرخی... فردای روزی که توشند گل سرخی را تیرباران کردند تو تا کسی نشسته بودم، پیرزنی می گفت: «قربون سیش برم. مرد بود».

پیرزن ها اینطور می گفتند، جوان ها که جای خود دارند. شنیدم روز سال مرگش تو دانشگاه هر دانشجو یک گل سرخ به بغلش زده بود، قشنگ است، نیست؟ خیلی... چشم های آدم پراز اشک، می شود. همسینور بود داداش، همسینور بود. دشمن جانی هر آدم حسابی بودند، قهرمانی مثل تختی که جای خود دارد. آره، داشتم می گفتم چلو کبابمان را خوریدیم و رفتم که حساب کنیم. مردک دخل بگیر گفت:

«حساب شده»

«کی حساب کرده؟»

«آقا تختی»

جواد گفت: «ای وای که پهلوان اینجا بود؟»

مردک گفت: «پیش پای شما تشریف بردن»

جواد خندید: «این دفعه هم پهلوان خجالتشون داده»

بیرون که آمدیم، تعریف کرد:

«بچه محلم، باور کن هنوز نشده پیش اون به بچه خانی آباد دست

توجیش کنه. پهلوان بهش برمی خوره»

گفتم: «خیلی دلم می خواد ببینش و چند تا عکس ازش بگیرم»

«می برمت پیشش. خاک بیه. هیچ ادا و اطفا بچه های دیگه رو

نداره. به مولا اگه به دفعه ببینش فدایش می شی»

آره، درست است، ببخودی آدم بزرگ نمی شود. یک چیزی داشت که سالارش می کرد. این همه کشتی گیر آمدند و رفتند و اسبی از شان نیست. می خواهم بگویم مثل تختی کم پیدا می شود. یک روز جواد آمد و گفت:

«دلت می خواد کشتی شوبینی؟»

گفتم: «بدم نمیداد، دوربینمو میارم و چندتا عکس هم ازش

می گیرم»

«مسابقه جهانیه، اینجا نبودم که بلیتو گیر بیارم، حالا که اومدم تمام شده. بیست و پنج کشور شرکت کردن. انشب، شب آخره. کشتی گیرهای شوروی، آمریکا، ژاپن، بلغار و ترک، و چهارتا کشتی گیر ایرانی توجدل موندن. محشره. جون تو حاضر بودم هر چی می خوان بدم و به بلیت گیر بیارم. هروری زدم نشد. برای پهلوان پنوم دادم. دوتا بلیت برام فرستاده. اومدم با هم بریم»

آره که رفتم. محبتش را رد نکردم اما زیاد هم مشتاق نبودم. آخر هیچوقت نرفته بودم کشتی بینم، اولین بارم بود. قیامت بود. پسر، پاک گنج شدم. این همه آدم، این همه شور و هیجان، برای دیدن کشتی؟ باورم نمی شد که اینقدر تماشا می باشد. درست مثل یک فیلم داغ، هیجان انگیز بود. جان تو حفظ کردم. اصلاً نفهمیدم چه جوری گذشت. چند ساعت تو هوای دم کرده و داغ بنشین، داد، فریاد، سرو صدا، احساس ناراحتی نکنی که هیچ، غرق هم بشوی. کی فکر می کرد دوتا آدم لخت و عرق کرده، به جان هم بیفتند و لنگ و پاچه همدیگر را بگیرند و می بالا و پایین کنند، این همه هیجان آور باشد، معرکه بود.

نه، نمی توانم برایت تعریف کنم، نمی توانم، چه غوغایی بود. پیروچوان دست می زدند، فریاد می کشیدند و کشتی گیرهای خودی را تشویق می کردند. زن ها هم آمده بودند. نمی دانی چه هلهله ای می کردند. از حق نباید گذشت که بچه ها هم شیرین می کاشتند. حبیبی تا با ترکه دست داد، دیدم ترکه رو هواست و ضربه شد. کشتی گیر شوروی را هم همین طور انداخت. تختی همه را برده بود. یک روس و یک بلغاری گردن کلفت تو جدول مانده بودند. کشتی گیر شوروی هیچ نمره منفی نداشت. همه را از دم ضربه کرده بود. می گفتند قهرمان جهان است، انگار یکی دیوار تو مسابقه تا تختی را انداخته بود. از آن قلدراهای همه فن حریف بود. کشتی گیر لندهر بلغاری را محاله کرد. مردم برایش دست زدند. برای تختی هم وقتی بلغاری را برده، خیلی دست زدند.

شنیدی؟ کاش بودی و می دیدی. شنیدم یک چیزی است و دیدن چیز دیگر. کشتی گیر شوروی یک غول بود. این هوا گرم، این کره بازو، این ستون هیکل، پروقرص. می گفتند برای تختی یک خطر جدی است. خلاصه به قول حضرات مسابقه حساسی بود. من که تو باغ نبودم و از کشتی هسانقدر می فهمیدم که تنه بزرگ می فهمید. گوشم را داده بودم به بگرومگوها. جوانکی جوش می زد و دستش را تکان می داد و می گفت:

«اون دهن های گاله تونو ببین، چی می زوم زنین، می بره»

رو می بره، هیچ غلطی نمی تونه بکنه. پهلوان کارشومی سازه. حاضر با همه تون شرط ببندم»

یکی گفت: «سریه اسکناس پشت گلی!»

جوانک گفت: «باشه، ده تاش هم حاضریم، یکی که سهله»

«پس بزن دتش!»

با هم شرط می بستند، سر اسکناس پشت گلی، سر کوکا، داغ داغ

عزت نفس

خار بدرودن بمژگان خاره بشکستن بدست

سنگ خائیدن بدن دان کوه بیریدن بچنگ

لعب با دنبال عقرب بوسه بردندان مار

پنجه با چنگال ضیغم غوص در کام نهنگ

از سر پستان شیر شرزه دوشیدن حلب

وزبن دندان مار گرزه نوشیدن شرنک

تشنه کام و پا برهنه در تموز و سنگلاخ

ره بریدن بی عصا فرسنگها با پای لنگ

طعمه برکنیدن بخشم از کام شیر گرسنه

صید بگرفتن به قهر از پنجه غضبان پلنگ

نقشها بستن شگرف از کلک مو بر آب تند

رخنه ها کردن پدید از خار تر درخاره سنگ

روزگار رفته را برگردن افکنیدن کمند

عمر باقیمانده را بر پا نهادن پالهنک

صدربه آسانتر بود برمن که در بزم لثام

باده نوشم سرخ وزرد و جامه پوشم رنگ رنگ

چرخ گرد هستی از من گر بر آرد گو بر آرد

دور بادا دور از دامان نامم گرد ننگ

هاتف

آرژانتین: هفوزنرال ها

رائول آلونسو رئیس جمهور سابق آرژانتین که محکومیت ژنرالها در دوره زمامداری وی صورت گرفت، از تصمیم رئیس جمهور انتقاد کرد. وی گفت: "این خطاست که جامعه با هدف آشتی ملی، با جنایت آشتی کند." در مقابل، منعم از تصمیم خود دفاع کرد و آن را گامی در جهت "آشتی دادن همه مردم آرژانتین" دانست. وی دلا دیکتاتور پیشین به دنبال آزادی از زندان، خواهان اعاده حیثیت از ارتش شد.

کارلوس منعم رئیس جمهور آرژانتین، اعضای شورای نظامی سابق این کشور را که از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ در راس یک دیکتاتوری نظامی زمام امور را در دست داشت، هفو کرد. ژنرال های عضو این شورا که به زندان طویل المدت محکوم شده بودند، با فرمان هفو رئیس جمهور آرژانتین از زندان آزاد شدند. در سال ۱۹۸۵، ژنرال ویدلا دیکتاتور سابق و سایر همدستانش محاکمه و محکوم شده بودند.



اعتراض بستگان قربانیان دیکتاتوری نظامی سابق آرژانتین به آزادی ژنرال ها

استعفای شوارندادزه

انتخاب کرد. یانایف تا پیش از انتخاب به سمت معاون رئیس جمهور، سمت های مختلفی برعهده داشته است که آخرین آن، عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بوده است. یانایف همچنین از آوریل تا ژوئیه سال گذشته همدار ریاست اتحادیه سندیکاهای شوروی بود. انتخاب یانایف در کنگره خلق، در دور دوم رای گیری و با ۱۲۳۷ رای موافق و ۵۶۲ رای مخالف صورت گرفت. یانایف در دور اول نتوانست اکثریت آرا را به دست آورد.

نشده است، اما گفته می شود یوگنی پریماکف از مشاوران گارباچف که تاکنون چند بار برای مذاکره پیرامون بحران خلیج فارس به خاورمیانه سفر کرده است، به احتمال زیاد وزیر خارجه خواهد شد. کنگره نمایندگان خلق شوروی در آخرین اجلاس خود در سال ۱۹۹۰، پیشنهادهای گارباچف برای افزایش اختیارات رئیس جمهور و قرارداد کابینه تحت مسئولیت مستقیم وی را پذیرفت. این کنگره همچنین به پیشنهاد گارباچف، گنادی یانایف را به عنوان معاون رئیس جمهور

ادوارد شوارندادزه وزیر خارجه شوروی بطور غیر منتظره طی نطقی که در اجلاس "کنگره نمایندگان خلق" این کشور ایراد کرد، استعفای خود را از مقام وزارت خارجه اعلام نمود. وی در سخنان خود اظهار داشت که در شوروی یک دیکتاتوری در شرف روی کار آمدن است. گارباچف از استعفای شوارندادزه انتقاد کرد و با این حال از او خواست مقام خود را به عنوان عضو شورای ریاست جمهوری حفظ کند. هنوز برای شوارندادزه در مقام وزارت خارجه جانشینی تعیین

جنگ داخلی در سومالی

مخالفان زیادباره هرگونه مذاکره با رژیم وی را رد کرده اند. عبدالقادر یکی از رهبران ائتلاف ضد دولتی "کنگره متحد سومالی" اعلام کرد نیروهای این جبهه تا سرنگونی رژیم زیادباره خواهند جنگید. وی افزود تنها پس از پایان دادن به حکومت زیادباره، "کنگره متحد سومالی" با سایر مخالفان رژیم فعلی درباره آینده سومالی به مذاکره خواهد پرداخت.

سومالی در هفته های اخیر شاهد نبردهای خونین میان نیروهای ضد دولتی و قوای محمد زیادباره رئیس جمهور این کشور بوده است. به گزارش دیپلمات های غربی از موگادیشو پایتخت سومالی، هفته گذشته نبردها به کشته شدن صدها تن از مردم غیرنظامی انجامید. تا لحظه تنظیم این خبر، طرفداران زیادباره در پایگاه نظامی فروگاه ۱۰۰۰۰ نفر مستقر بود.



نیروهای مخالف رژیم زیادباره در سومالی، در آستانه پیروزی اند.

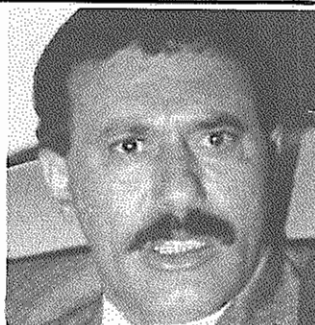
ناآرامی مجدد در مناطق اشغالی فلسطین

اسرائیل بار دیگر مواضع گروه های فلسطینی در جنوب لبنان را مورد حمله قرار داد. روز یکشنبه ۳۰ دسامبر نیروهای اسرائیلی در نوار فزه طی درگیری هایی پنج فلسطینی را کشته و ۲۰۰ تن را مجروح کردند. دبیر کل سازمان ملل "نگرانی عمیق" خود را از این حوادث ابراز داشت. خائیم رامون سخنگوی فراکسیون حزب کارگر اسرائیل در پارلمان این کشور به نمایندگی از یک سوم اعضای این فراکسیون ۳۸ نفره خواهان "عقب نشینی یکجانبه" اسرائیل از نوار فزه شد و گفت حزب کارگر باید با تغییر برنامه خود، خواستار بیرون رفتن از نوار فزه ظرف دو سال شود.

هفته گذشته ۲۶ سال از آغاز مبارزه مسلحانه توسط الفتح گذشت. از آنجا که انتظار می رفت مردم مناطق اشغالی فلسطینی به مناسبت این سالگرد دست به تظاهرات و اعتصاب بزنند، ارتش اسرائیل روز اول ژانویه برای حدود یک میلیون فلسطینی در کرانه غربی رود اردن و نوار فزه مقررات منع عبور و مرور اعلام کرد. بروز ناآرامیهای مجدد در فلسطین اشغالی، شورای امنیت سازمان ملل را بر آن داشت تا به بررسی مسئله فلسطین بپردازد، اما این شورا در این باره موضوبی نداشت. در آخرین روز سال ۱۹۹۰، نیروی هوایی

مواضع یمن از زبان رئیس جمهور آن

مصاحبه "اشپیگل" با علی عبدالله صالح



علی عبدالله صالح، رئیس جمهور یمن

وزیر خارجه ایالات متحده به اینجا، به صفا آمد، و شما از گارباچف رئیس جمهور شوروی یک نامه شخصی دریافت کردید. آیا این دو کوشیدند یمن را "بهره آورند" و به موافقت با اولتیماتوم در شورای امنیت ترغیب کنند؟

صالح: بدیهی است که هر دو کوشیدند نظر ما را عوض کنند. اشپیگل: به نظر می رسد موفق نشده اند - با وجود وعده های مساعدشان؟

صالح: راهنمای سیاست ما، اصول همبستگی عربی است. ما خود را نمی فروشیم.

اشپیگل: می گویند بیکر به شما پیشنهاد یک کمک ۲۵ میلیون دلاری کرده است. آیا مبلغ مزبور کم بود؟

صالح: با هیچ مبلغی نمی توان ما را خرید. حتی اگر به ما آن چهار میلیارد دلاری را که اکنون یک کشور همسایه می خواهد به یک قدرت بزرگ محتاج بدان بدهد، می دادند، ما حاضر نمی شدیم موضع خود را عوض کنیم. (اواخر نوامبر، عربستان سعودی به اتحاد

اشپیگل: آقای رئیس جمهور، یمن در شورای امنیت به اولتیماتوم علیه عراق که این کشور را به عقب نشینی از کویت تا پانزدهم ژانویه ترغیب می خواند، رای منفی داد. چرا؟ صالح: ما به همه قطعنامه های قبلی شورای امنیت علیه عراق رای مثبت داده ایم، اما به این قطعنامه نمیتوانستیم رای دهیم، زیرا ما نمی خواهیم با تصمیمی موافقت کنیم که به جنگ می انجامد.

اشپیگل: آیا گمان کرده اید که میتوانید بدین ترتیب از جنگ در خلیج جلوگیری کنید؟

صالح: بدیهی است ما می دانیم که در نهایت، مخالفت ما در اینکه بر سر کویت جنگ درگیرد یا نه، تاثیری نخواهد داشت. اما ما به عنوان یک کشور عربی نمی توانیم در مسئولیت تصمیمی سهیم باشیم که می تواند به جنگ علیه یک کشور دیگر عربی بیانجامد. ما می خواهیم هر آنچه در توان داریم انجام دهیم که جلوی این جنگ را بگیریم. اشپیگل: اخیراً بیکر

نماینده یمن در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به قطعنامه اخیر این شورا مبنی بر تعیین مهلت برای عراق جهت خروج نیروهای این کشور از کویت، رای منفی داد. این رای، ادامه سیاست دولت متحد یمن در قبال بحران خلیج فارس است که وجه مشخصه آن، تلاش برای یافتن یک "راه حل عربی" برای اختلاف عراق با شیخ نشین های حاشیه خلیج فارس و مخالفت با دخالت آمریکا و متحدانش در منطقه بوده است. برای آشنایی با مواضع یمن، ترجمه مصاحبه هفته نامه آلمانی "اشپیگل" با علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن را که در شماره ۱۷ دسامبر ۱۹۹۰ این هفته نامه چاپ شده است، چاپ می کنیم. علی عبدالله صالح در سال ۱۹۷۸ رئیس جمهوری یمن شمالی شد. او از ماه مه سال ۱۹۹۰ بدین سو، رئیس جمهور یمن متحد است که با ۱۴ میلیون نفر جمعیت، به لحاظ تعداد ساکنان بزرگترین کشور شبه جزیره عربستان محسوب می شود. رئیس جمهور یمن ۴۸ سال دارد.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	نشریه "کار"	نشریه "اکثریت"
☐ شش ماهه	☐ شش ماهه	☐ شش ماهه
☐ یک ساله	☐ یک ساله	☐ یک ساله
اروپا ۱۱ مارک	اروپا ۳۲ مارک	اروپا ۳۹ مارک
دیگر نقاط ۲۱ مارک	دیگر نقاط ۶۲ مارک	دیگر نقاط ۷۶ مارک
۲۲ مارک	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 331
MONDAY 17 DEC. 1990
Address: آدرس:
RUZDEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
GERMANY

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور
حساب بانکی: M.ABD
NR-35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY
کد بانک: ۳۷۰۵۰۱۹۸

بقیه در ضمیمه ۶